

Network–Hybrid Geopolitics and the Power Acquisition of the Islamic Republic of Iran in a State of Complexity of complexity

Farhad Ghasemi¹

Hosain Noroozi²

Ebrahim Hajipoor³

Received: 2024-06-21

Revised: 2024-10-29

Accepted: 2025-06-08

Available Online: 2025-07-16

How to cite this article:

Ghasemi, F., Noroozi, H. & Hajipoor, E. (2025). Network–Hybrid Geopolitics and the Power Acquisition of the Islamic Republic of Iran in a State of Complexity of complexity, *Iranian Research Letter of International Politics*, 13 (02), 134 – 165 .(in Persian with English abstract)
<https://doi.org/10.22067/irlip.2025.88440.1543>

Extended Abstract:

1. Introduction

In today's world, the power of political units can no longer be interpreted in a linear and one-dimensional manner. The fluidity of strategic environments, the expansion of influence networks, and the growing geopolitical complexities have transformed power acquisition into a systematic and network-based process. Given these shifts, the primary research question is: "How can the Islamic Republic of Iran develop its power amidst geopolitical instability and rapid changes?" This article aims to explore new dimensions of power and identify meaningful patterns for better understanding Iran's role in international affairs.

1. Professor of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran, faghasemi@ut.ac.ir

2. Assistant Professor of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran, norooziutir@ut.ac.ir

3. PHD of International Relations, Kish International District, Tehran University, Kish, Iran, (corresponding author) e.hajipoor@ut.ac.ir

2. Theoretical Framework

This study is situated within the framework of complexity and chaos theory, seeking to analyze Iran's power acquisition through the lens of network-hybrid geopolitics. Based on the theory of complex adaptive systems, the international system operates as a nonlinear entity, where minor changes can have widespread effects (sensitive dependence). Furthermore, this study emphasizes that power in the modern era is increasingly understood not through traditional structural frameworks but through networking, flexibility, and the integration of different power instruments (hard, soft, smart).

3. Research Methodology

This research employs an abductive methodological approach. Instead of relying solely on deductive or inductive reasoning, the abductive method aims to provide the best possible explanation for unstable and complex conditions. By analyzing emerging trends in global geopolitics, this study evaluates various power acquisition models and identifies the network-based mechanisms utilized by the Islamic Republic of Iran to expand its regional and global influence.

4. Discussion

This section delves into Iran's operational strategies for power acquisition, demonstrating how the country has enhanced its geopolitical positioning through network-building, cyberspace capabilities, and the engineering of power distribution in complex international environments. Additionally, Iran's role in the emerging Eurasian order, its involvement in the Asia-Pacific region, and its engagement with China's "Belt and Road Initiative" are examined. Findings suggest that Iran is adapting to new power transformations and leveraging unconventional models to advance its geopolitical strategies.

5. Conclusion

The study concludes that, in an era of complexity, traditional power acquisition models no longer suffice. Through the utilization of power networks, the integration of hard and soft power tools, and engagement with new international order structures, the Islamic Republic of Iran has successfully strengthened its power formation processes. This article underscores the significance of developing a network-oriented understanding of geopolitics and introduces the network-hybrid geopolitical model as an innovative conceptual framework for analyzing power acquisition in the evolving global landscape.

Key words: Geopolitics, Network Order, Complexity, Emergence, New International Order.



ژئوپلیتیک شبکه‌ای-هیبریدی و قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران دروضعیت پیچیدگی

فرهاد قاسمی^۱

حسین نوروزی^۲

ابراهیم حاجی‌پور^۳

چکیده

از برجسته‌ترین چالش‌های موجود در تبیین قدرت‌یابی واحدها در جهان پر آشوب کنونی، سیال شدن محیط راهبردی جهانی، نرخ سریع تغییرات و پیچیدگی‌های فزاینده در نظام بین‌الملل، دگرسانی در سازه‌های نظم و گذار از سیستم‌های ساده و کلاسیک به سیستم‌های پیچیده و آشوبی است. در این سیستم‌ها، روندها و واقعیت‌های نوپدید و پویای قدرت به گونه‌ای بسیار برجسته، ناهمسانی و ناهمطرازی در ژئوپلیتیک قدرت و سازه‌های نظم را پدیدار نموده و فراوری و بازتولید قدرت توسط واحدها را به پدیده‌ای سیستمی و شبکه‌ای تبدیل کرده است. بر این مبنا، پژوهش حاضر، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که بر اساس چرخش‌های اساسی شکل گرفته در چرخه قدرت جهانی و واقعیت‌های نوپدید سیاست جهان، «قدرت‌سازی و قدرت‌یابی کنشگران از جمله جمهوری اسلامی ایران چگونه امکان عملیاتی پیدا می‌کند؟» در این چارچوب، این پژوهش با بهره‌گیری از رهیافت روشی ابداکتیو درصدد نشان دادن رابطه معنادار میان ژئوپلیتیک شبکه‌ای و هیبریدی در محیط نظام بین‌الملل کنونی و قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت پیچیدگی می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «قدرت‌یابی کنشگران از جمله جمهوری اسلامی ایران در یک زنجیره علی در چرخه‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی (تلفیق سطوح) و حوزه‌های

۱. استاد روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران، faghasemi@ut.ac.ir

۲. استادیار روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران، norooziutir@ut.ac.ir

۳. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران، کیش، ایران، (نویسنده مسئول)

e.hajipoor@ut.ac.ir

موضوعی مختلف (درهم تنیدگی و تلفیق بخش‌ها) بر پایه قواعد شبکه و شبکه‌سازی ژئوپلیتیکی، امکان عملیاتی پیدا می‌کند. در این راستا، مبتنی بر بنیان‌های هستی‌شناسانه و شناخت‌شناسانه نظریه پیچیدگی و آشوب و گزاره‌های نظری مندرج در آن الگوی نوینی در موضوع قدرت‌یابی واحدها تحت عنوان ژئوپلیتیک شبکه‌ای - هیبریدی مطرح می‌گردد که در نوع خود رویکردی متفاوت و آینده‌نگرانه نسبت به پدیده قدرت‌یابی و نقش‌یابی بازیگران در صحنه سیاست بین‌الملل نوین محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، نظم شبکه‌ای، پیچیدگی، نوپدیدگی، نظم نوین بین‌المللی.

مقدمه

نظام بین‌الملل به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد و در سال‌های آغاز هزاره جدید، به‌دلیل شکل‌گیری واقعیت‌های نوپدید در سیاست جهان و فعال شدن دینامیسم‌های مختلف در سیستم بین‌الملل، از جمله دینامیسم‌های شبکه‌ساز دستخوش تحولات عمده‌ای شده و کنشگران سیستم با چالش‌های جدیدی در موضوع تولید و فراوری قدرت در نظام بین‌الملل مواجه شده‌اند. از این منظر، رقابت واحدها در عصر جدید، از قلمروهای سنتی و خطی، به قلمروهای چندبعدی، غیرخطی و شبکه‌ای گذر کرده و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های متنوعی در بستر شبکه‌ای فراهم گردیده است. با افزایش سطح پیچیدگی و آشوبی شدن سیستم بین‌الملل در قرن بیست و یکم، دگردیسی در چرخه قدرت جهانی، شبکه‌ای شدن پویای مرتبط با قدرت و ژئوپلیتیک، تنوع و تکثر متغیرها، افزایش ابهام و عدم قطعیت راهبردی در محیط بازی، سازوکارهای تولید و فراوری قدرت واحدها از جمله جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌ها و موانع جدی مواجه شده و معادله ثبات راهبردی را با واقعیت‌های نوینی روبرو ساخته است.

در این چارچوب، قدرت و ژئوپلیتیک در پیوند با انگاره شبکه‌ای در سیستم بین‌الملل نوین به‌عنوان یک واقعیت نوپدید سیستمی در دستورکار قرار گرفته که تحت عنوان الگوی نظری نوین ژئوپلیتیک شبکه‌ای و هیبریدی قابل بازگویی است. عمده‌ترین رهاورد نظری این الگو، پیوند میان قدرت شبکه‌ای و ثبات راهبردی در محیط شبکه است که به‌عنوان سازوکار علی قدرت‌یابی کشور هدف، امکان کنش سیستمی را در چرخه رشد و تکامل قدرت ملی در لایه‌های مختلف فراهم می‌آورد. بر این مبنا، در رابطه با جمهوری اسلامی ایران این دغدغه اساسی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در طراحی دکترین سیاست خارجی کشور مطرح می‌گردد. در این راستا می‌توان برجسته‌ترین دغدغه در حوزه سیاست خارجی کشورها را بازتولید قدرت در نظام بین‌الملل پیچیده - آشوبی دانست که قواعد نوینی در بازتولید قدرت در قالب قواعد شبکه مطرح می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

برخورد با این دغدغه نیازمند نگاهی جدید به علم روابط بین‌الملل به‌ویژه در حوزه بازتولید و فراوری قدرت واحدها در سیستم بین‌الملل نوین می‌باشد. بررسی آرای اندیشمندان و پژوهشگران در رابطه با دغدغه یاد شده، به‌عنوان بخشی از ادبیات روابط بین‌الملل، این موضوع را مورد توجه قرار داده است. دسته

نخست از آثار پژوهشی در چارچوب ادبیات کلاسیک، با ارائه برداشتی ابژکتیو^۱ از ماهیت قدرت و شیوه فراز شدن آن، دستیابی، مهار یا بهره‌مندی از سرزمین را به‌عنوان بهترین آلترناتیو^۲ برای کسب قدرت و سلطه مطرح نموده و متغیر جغرافیا و سرزمین را در شکل‌دهی به کدهای رفتاری کشورها در مسیر قدرت‌یابی، برجسته می‌نمایند و سه نقطه عطف دوران‌ساز در حوزه نظری و عملی پویش‌های ژئوپلیتیکی و تأثیرات علی آن بر قدرت‌یابی و نقش‌یابی واحدها را مطرح می‌کنند. این دسته از آثار، سازوکار علی تولید قدرت و نقش‌یابی واحدها در چرخه قدرت را واحداپایه و جفت‌پایه بر اساس سیستم اتحاد و ائتلاف تحلیل نموده (Criekmans, 2022: 15) و با مفهوم‌سازی نقش دگرهای هویتی در تکوین هویت ملی در فضای منازعه‌آمیز و رقابتی روابط بین‌الملل، از این دینامیسم قدرتمند در پی جویی اهداف ژئوپلیتیکی و قدرت‌یابی سیستمی واحدها بهره‌برداری می‌نماید. (Buzan & Lawson, Georg, 2013: 38) در این روند، عاملیت و کارگزاری واحدها بویژه قدرت‌های بزرگ به‌عنوان متغیر علی شکل‌گیری سازه‌های ژئوپلیتیکی و نقش‌یابی واحدها مطرح می‌گردد. برخی دیگر با الهام از نظریات مکیندر، صورت‌بندی جدیدی از ایده‌های ژئوپلیتیکی را مطرح و امکان آمیختگی قدرت سرزمینی در لایه دریایی را به‌عنوان سازوکار مکمل تولید و فراوری قدرت کشورها برجسته نموده و امکان بهره‌برداری همزمان از مزیت‌های ژئوپلیتیکی در هر دولایه قدرت‌ساز (زمینی و دریایی) را مهم می‌دانند (Spyckman & Nickolas, 1944: 37) دسته‌ای دیگر از اندیشمندان، از منظر ژئوپلیتیک انتقادی، با طرح برخی ایستارهای جغرافیایی و مکانی، انگارش ژئوپلیتیکی نوینی را ابداع نموده‌اند که حامل مفاهیم نوظرار در تحلیل رفتار بازیگران قدرت و بازنمایی رویدادهای معاصر در جهان سیاست می‌باشد. (Dalby, 2003: 68) در امتداد تفکرات و اندیشه‌های ژئوپلیتیکی متأخر، دسته‌ای دیگر از نظریات کلاسیک نیز در تلاش هستند تا در تبیین ژئوپلیتیک و قدرت، رابطه تنگاتنگ بین ظرفیت‌های تمدنی و قدرت‌یابی بازیگران را برجسته کنند. با تحول سیستم بین‌الملل از وضعیت ساده و خطی به گونه پیچیده و آشوبی، به دلیل نابسندگی و ناهم‌زمانی مفاهیم ژئوپلیتیک سنتی با شرایط نوپدید، به تدریج پرسمان جدیدی در رابطه با فناوری‌های قدرت در حوزه ژئوپلیتیک توسط اندیشمندان مطرح شده است که متفاوت از سنت کلاسیک می‌باشد. در این فراگرد برخی از اندیشمندان، شبکه‌سازی را به‌عنوان چارچوب اساسی نقش‌یابی و کاهش فشارهای سیستمی در چرخه قدرت و دستیابی به نقش‌های نوین سیستمی را مطرح نموده‌اند. (Ghasemi, 2020) برخی نیز با رویکرد سطح نظام، قدرت‌یابی بازیگران و دستیابی به جایگاه سیستمی در چرخه قدرت جهانی را مستلزم چیرگی بلامنازع در شبکه‌های منطقه‌ای و جلوگیری از قدرت‌یابی دیگران در حوزه نفوذ و محیط امنیتی پیرامونی می‌دانند. (Mearsheimer, 2006: 68, Lai, 2011: 45) در همین چارچوب، دسته‌ای دیگر از اندیشمندان با اتخاذ رویکرد سطح واحد، با تحلیل متغیرهای ملی و محلی مقیاس، فرصت‌ها و تهدیدهای قدرت‌یابی کشورها را در هندسه قدرت جهانی تحلیل می‌کنند. (Fuller, 2017 Katouzian, 2008: 58) در نهایت برخی دیگر نیز، از منظر ژئوراهبردی، با صورت‌بندی نوین

1. Abjective

2. Alternative

روابط قدرت و متغیرهای مرتبط با آن در شبکه‌های منطقه‌ای، نقش‌یابی واحدها را در چارچوب ساختار ژئوپلتیک ویژه چند قطبی جهانی تحلیل می‌کنند. (Mojtahedzadeh, 2002)

در مجموع، در آثار موجود، به موضوع نوپدیدگی و قدرت‌یابی شبکه‌ای - هیبریدی بازیگران و راهبردهای مرتبط با آن به صورت عملیاتی، توجه مستوفایی نشده است. بر همین اساس پرسش اصلی پژوهش حاضر شکل می‌گیرد که کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران، چگونه از طریق پویش‌های شبکه‌ای قدرت و ژئوپلتیک می‌توانند به تولید و بازتولید قدرت در سیستم بین‌الملل نوین اقدام نمایند؟ در پاسخ به این پرسش، این فرضیه مطرح می‌شود که قدرت‌یابی شبکه‌ای و هیبریدی جمهوری اسلامی ایران در یک زنجیره علی در چرخه‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی (تلفیق سطوح) و حوزه‌های موضوعی مختلف (درهم‌تنیدگی و تلفیق بخش‌ها) امکان‌پذیر است. با توجه به چارچوب نظری پژوهش و کاربست نظریه پیچیدگی و آشوب در بررسی و تحلیل وضعیت، برای استنتاج منطقی و نظری داده‌های تحقیق و بهره‌مندی حداکثری از پیش‌انگاره‌های نظریه پیچیدگی و آشوب از روش ابداکتیو در برنامه پژوهشی و در تبیین نظری و استنتاج واقعیت‌های نوپدید در تولید و بازتولید قدرت در نظام بین‌الملل بهره گرفته می‌شود. بر همین پایه برجسته‌ترین نوآوری پژوهش در قالب الگوی تولید و بازتولید قدرت در مقیاس ژئوپلتیک شبکه‌ای ارائه می‌شود.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. نظریه پیچیدگی و آشوب

نظریه پیچیدگی و آشوب، به‌عنوان یک پارادایم جدید، محصول تغییرات شگرف در حوزه‌های مختلف علمی، فناوری، اقتصادی و سیاسی است که توسط دانشوران حوزه روابط بین‌الملل از نیمه دوم قرن بیستم برای مطالعه، توصیف و تبیین رفتارهای بازیگران در سیستم‌های انطباقی پیچیده همواره مورد استناد قرار گرفته و به‌عنوان یک منشور تحلیلی مفید برای تبیین محیدهای پیچیده، پویایی‌های سیستمی در شرایط عدم تعادل‌های ساختاری و بررسی الگوهای تغییر و نوپدیدگی در فرایندهای جهانی شدن و عدم قطعیت‌های شکل گرفته در دنیای پیچیده کنونی مورد استفاده قرار گرفته است. به طور کلی اصول اساسی سیستم‌های پیچیده و آشوبی را در قالب چند ویژگی می‌توان تشخیص داد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: اصل غیرخطی شدن سیستم بین‌الملل در وضعیت پیچیدگی، اصل وابستگی حساس در سیستم‌های پیچیده و آشوبی، اصل قانون قدرت در سیستم‌های نوین بین‌المللی در وضعیت پیچیدگی، اصل چرخه‌ای شدن کنترل و اصل عدم تقارن و ناهمطرازی در قدرت. (Ghasemi, 2018) در این فراگرد با پیچیده‌تر شدن پویش‌های ژئوپلتیکی و روندهای ناشی از پویش دینامیسم‌های سیستمی در جهان مملو از عدم قطعیت، تداخل و پیش‌بینی‌ناپذیری، بهره‌گیری از این ابزار تحلیلی برای تبیین نوپدیدگی‌های حادث شده در پویش‌های مرتبط با قدرت و ژئوپلتیک ضرورت می‌یابد.

با توجه به چارچوب نظری و ضرورت تبیین معادله قدرت و ژئوپلتیک در وضعیت پیچیدگی و آشوب، همچنین تبیین مسیرهای علی قدرت‌سازی در این فراگرد، کاربست رهیافت پژوهشی دیگری تحت عنوان ابداکشن نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و استنتاج نظری ضرورت می‌یابد. برجسته‌ترین بعد روش‌شناختی

مفهوم سازی دستگاه تحلیلی قدرت و ژئوپلتیک در وضعیت پیچیدگی، بهره گیری از الگوی ابدکتیو در استنتاج نظری و بهره مندی از پیش فرض ها و پیش انگاره های نظریه پیچیدگی-آشوب در گستره علم و مفهوم سازی آن در روابط بین الملل پیچیده است. ابداکشن، به استدلال تبیینی و علی در فرایند برپایی فرضیه و استنتاج بهترین تبیین اشاره دارد. ابداکشن به دنبال دستیابی به بهترین تبیین، در شرایط سیستمی کمابیش ناشناخته و ناپایدار است. به طور کلی سه نوع استدلال استقرایی، قیاسی و ابداکشن از یکدیگر متمایز می باشند. در استدلال قیاسی، قاعده کلی وجود دارد که یک پدیده بر اساس آن قاعده تبیین می شود. به عبارتی قاعده، مورد و نتیجه از مراحل چنین استنتاجی است. در استنتاج، در یک روند از جز به کل، مورد، نتیجه و در نهایت قاعده به ترتیب مطرح می شوند. در ابداکشن ترتیب قاعده، نتیجه و مورد مهم هستند. بر اساس روش یاد شده و مراحل آن، در پژوهش حاضر، ابتدا واقعیت های نوپدید بررسی می شوند. این واقعیت ها، نشان دهنده معماها و یا پرسش های علمی در این گستره است که نیاز به پاسخ های ناهمسان از گذشته را طلب می نماید. مرحله دوم، شناسایی قواعد نوینی در دستورکار قرار می گیرند که می تواند مبنای پاسخ های یاد شده باشند. (Ghasemi, 2019)

۲-۲. ژئوپلتیک شبکه ای و بازتولید قدرت در وضعیت پیچیدگی

در دنیای مبتنی بر پویای دگرگون ساز، یکی از تغییرات نوپدید، تغییر در مفروضات و روش های علمی بررسی و تحلیل واقعیت های جهان سیاست می باشد. مفروضات و روش هایی از قبیل ایستایی، ثبات جهان، قطعیت گرایی، خطی بودن، علیت خطی، تقلیل گرایی، قابل پیش بینی بودن و غیره که پیش از این، به عنوان پارادایم مسلط علمی، همواره مبنای تحلیل پدیده ها و واقعیت های جهان سیاست بوده، به تدریج زیر سؤال رفته و مورد تردید قرار گرفته است (Shu-yun-Ma, 2007: ۶۶-۶۹). از طرفی، در دنیای مبتنی بر پیچیدگی، فهم تمامی اجزای سیستم و روابط غیرخطی آن ها بسیار دشوار بوده و پدیده ها یا سیستم های آشوبناک- پیچیده، به دلیل ویژگی هایی همچون: عدم قطعیت بالا و پیش بینی ناپذیر بودن، بی تعادلی و ثبات پویا، حلقه های بازخوانی، شبکه ای بودن، وابستگی حساس، خودساماندهی، خودزاینده گی، آشیانه ای بودن، نوظهور بودن و نوپدیدگی و غیره دارای لایه ها و روابط پنهانی هستند که به صورت توالی زمانی و مکانی آشکار می شوند. (Ghasemi, 2018)

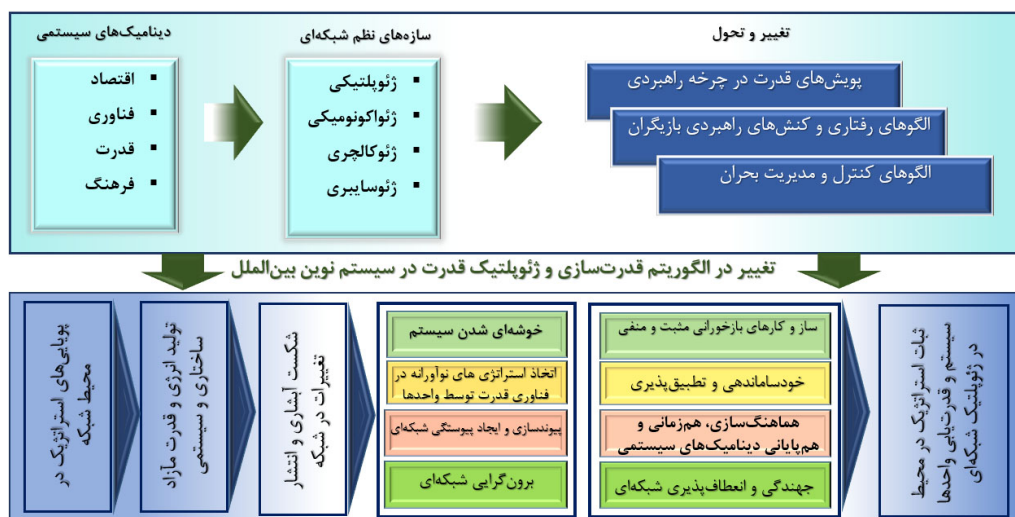
یکی از مهم ترین حوزه های کاربرست نظریه سیستم های پیچیده و آشوبی در مطالعات مربوط به نظم و سازمان یافتگی محیط بین المللی، موضوع قدرت یابی و تغییر جایگاه بازیگران و واحدها در سطح سیستم است. در این مدل تحلیلی، قدرت شبکه ای و قدرت در قالب مرکزیت در حوزه های موضوعی مختلف، تعیین کننده قدرت و سازماندهی زندگی بین المللی در قرن بیست و یکم است. در این وضعیت، سیاست گذاری راهبردی برای ارتقای منزلت واحدها در سطح سیستم، به صورت غیرخطی و مبتنی بر اصول مختلفی از جمله: سیال بودن محیط، وجود بازی های راهبردی نامتقارن، وجود جریان های بازخوانی قوی میان محیط سیاست گذاری و محیط عملیاتی، حاکم بودن اصل علیت بازگشتی و غیرخطی بودن پیامدها خواهد بود که در تحلیل پدیده مورد مطالعه باید مورد مذاقه قرار گیرند. (Ghasemi, 2022: 17-24)

به اهمیت این چارچوب مفهومی و نقشی که نظریه فوق در تمهید و تدارک سازه نظری مورد نیاز برای تحلیل موضوع پژوهش دارد، دلالت‌ها و کارکردهای نظری و عملی این نظریه، مهم و تعیین‌کننده می‌باشد. در اینجا آنچه به لحاظ تحلیلی مهم است پی‌جویی و ارزیابی موضوع نوپدیدگی در سیستم‌های پیچیده و آشوبی و پیامدهای علی آن بر ژئوپلیتیک قدرت و نقش‌یابی واحدها در سیستم بین‌الملل نوین است. در سیستم بین‌الملل نوین، نوپدیدگی را در بخش‌های مختلف می‌توان پی‌جویی کرد. از جمله این بخش‌ها می‌توان به نوپدیدگی و تحول بنیادین در سازه‌های نظم، شبکه‌ها و چرخه‌های راهبردی سیستم (در حوزه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر و ژئوسایبر) الگوهای رفتاری سیستم بین‌المللی، سیستم‌های کنترل و مدیریت بحران و دینامیک‌های سیستم (اقتصاد، امنیت، سیاست، اجتماع، محیط زیست، فناوری، حکمرانی ملی و بین‌المللی) اشاره کرد. به عبارت بهتر، با آشوبی شدن سیستم و پیچیدگی حادث شده، این نوپدیدگی را می‌توان در همه سطوح نظم به نحوی مشاهده کرد.

قواعد قدرت‌سازی در ژئوپلیتیک شبکه‌ای و هیبریدی از جمله ضرورت‌های نوین مبانی نظری بازتولید قدرت در سیستم بین‌الملل است. بررسی آرای اندیشمندان در مورد قواعد قدرت‌سازی، یک اجماع نسبی در مورد اهمیت ژئوپلیتیک پایه بودن قدرت‌یابی واحدها را نشان می‌دهد اما با شکل‌گیری واقعیت‌های نوپدید در سیستم نوین بین‌الملل و بروز پیچیدگی فزاینده در آن، سازوکارهای تولید و فراوری قدرت در وضعیت پیچیدگی با الزامات جدیدی مواجه شده و به دیدگاه نوآورانه و الگوی نوینی در زمینه قدرت‌یابی واحدها تحت عنوان ژئوپلیتیک شبکه‌ای و هیبریدی راه می‌برد که هم از نظر سطوح (شبکه‌های محلی مقیاس، منطقه‌ای و جهانی در لایه‌های فراسپهری، دریایی، زمینی) و هم حوزه‌های موضوعی (ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر و ژئوسایبر)، متفاوت از گذشته صورت‌بندی می‌شود. در این رویکرد مفهومی و نظری، مبتنی بر قواعد پیچیدگی، الگوی ژئوپلیتیک بر گشتگاه شبکه‌ای شدن روابط قدرت و با محوریت جریان‌های ارتباطی در این شبکه‌ها و موضوعات سامان می‌یابد که در برگیرنده قواعد و فرایندهای ویژه‌ای است. برخی از این قواعد که به عنوان متغیرهای تأثیرگذار در فرایند قدرت‌یابی شبکه‌ای مطرح می‌باشند را به صورت زیر می‌توان بیان کرد:

- هماهنگ‌سازی و هم‌زمان‌سازی دینامیک‌های سیستمی در طراحی سیستم کنترل شبکه‌ای؛ (Ghasemi, 2021: 141-174)
- شکست آبخاری و توانایی انتشار تغییرات در محیط شبکه؛
- برون‌گرایی شبکه‌ای از طریق ایجاد پیوستگی و پیوند بین شبکه‌های مختلف؛
- خوشه‌سازی و متنوع‌سازی پیوندهای سلولی و شبکه‌ای به عنوان یک استراتژی نوآورانه در فناوری قدرت؛
- جهندگی و انعطاف‌پذیری شبکه‌ای با هدف افزایش تاب‌آوری و مقاومت شبکه در آستانه‌های رفتاری؛
- تولید قدرت از طریق سازوکارهای بازخوانی هیبریدی و همگام‌سازی پویای قدرت شبکه‌ای در سازه‌های ژئوپلیتیک (Ghasemi, 2019)؛
- موازنه قوای هوشمند شبکه‌ای (Ghasemi, 2011)؛

- باز توزیع الگوی وابستگی حساس^۱ در درون شبکه، و توزیع نرخ آسیب پذیری ها و فرصت ها به صورت هم سنگ در میان واحدها (Ghasemi, 2016)؛
- وجود تعادل پویای شبکه قدرت در سازه های ژئوپلیتیکی و امکان مسیریابی مجدد واحدها برای فرار از بن بست راهبردی (Sanderson, I. 2000. 433-454)؛
- خودساماندهی و تطبیق پذیری مبتنی بر دینامیک های غیر خطی شبکه ای (Karen, M. Feigh, Michael, c. Dorneich and Carolin, C. Hayes, 2012)؛
- دیپلماسی شبکه ای و سایبری به عنوان سازوکار تغییر در سیستم هدف (Vladimir M. Morozov, 2023)؛
- امنیت شبکه ای و تنظیم دستورکارهای جدید برای تغییر در سازمان یافتگی نظم شبکه ای؛ ژئوسایبر و سایبرپالیتیک (V. T. Tsakanyan, 2017; 339-348) و کاربست آن در طراحی استراتژی های ژئوپلیتیکی در چهار لایه زمینی، دریایی، هوایی و فراسپهری (Jake, 2017, 2022).



جدول (۱). نوپدیدگی و قواعد قدرت یابی در وضعیت شبکه ای

۳. قدرت یابی ایران در ژئوپلیتیک شبکه ای

مبتنی بر زیرساخت نظری و قواعد قدرت یابی شبکه ای در وضعیت پیچیدگی، دینامیسم های قدرت ایران در سه لایه محلی، منطقه ای و سیستمی قابل بررسی است. پیوستاری دینامیسم قدرت در حوزه های موضوعی مختلف در هر کدام از این چرخه ها، در سطح و لایه بعدی اثر گذاشته و تحت تأثیر دینامیسم ارتباطات و شکل گیری بازی های چندسطحی، هم پوشانی و تلاقی سطوح و موضوعات، سیر رشد و تکامل قدرت یابی ایران در شبکه قدرت سیستمی، تکوین می یابد.

1. Sensitive dependency

۱-۳. قدرت‌یابی ایران در چرخه قدرت محلی؛

محیط همسایگی بعد از چرخه ملی، اولین سطح و پایه شکل‌گیری چرخه رشد و تکامل قدرت واحدها در نظام بین‌الملل است. شبکه محلی و پیرامون نزدیک، نخستین دروازه ورود کشورها به جهان خارج محسوب شده و سیاست خارجی از نقطه صفر مرزی قلمروی سرزمینی آغاز می‌گردد. (Jacson, Steven F. 2006) در ژئوپلیتیک شبکه‌ای، هر چند تفکیک سطح محلی از سطح منطقه‌ای وضوح کمتری دارد، اما به صورت نسبی به دلیل مجاورت سرزمینی و نزدیکی جغرافیایی از اعتبار تحلیلی و هستی‌شناختی ویژه‌ای برای کشورها در سطوح و لایه‌های مختلف قدرت‌یابی برخوردار می‌باشد. قدرت ایران به دلیل ماهیت نظام سیاسی و تناسب این موضوع با چرخه ژئوکالچری شبکه همسایگی، دارای قابلیت زاینده‌گی و اشاعه بوده و ظرفیت شبکه‌سازی دارد و یکی از مزیت‌های نسبی و اختصاصی برای ایران به عنوان یک بازیگر شبکه‌ای در چرخه قدرت، محسوب می‌شود. شکل‌گیری و تکوین شبکه ژئوپلیتیکی مقاومت توسط ایران در شبکه منطقه‌ای غرب آسیا از طریق پیوندسازی هویتی (زیست‌جهان مشترک) در حال حاضر به عنوان یک جریان قدرت نوظهور در ابرشبکه آسیایی و سیستم بین‌الملل مورد شناسایی قرار گرفته است.

در چرخه قدرت محلی، تعامل ایران با همسایگان، در چارچوب شبکه‌های متداخل و همپوشان ژئوپلیتیک (لایه‌های قدرت‌ساز زمینی، دریایی و هوا-فضا)، ژئواکونومیکی (جریان‌های تجاری و مالی، پیمان‌های پولی و مبادلات بانکی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تولید و عرضه منابع انرژی و...) ژئوکالچری (پیوندهای فرهنگی، تاریخی و تمدنی)، ژئوسایبری (ارتباطات و مرکزیت شبکه‌ای، گره‌های ارتباطی، پیوندسازی و ترمیم حفره‌های شبکه‌ای) طیف گسترده‌ای از روابط قدرت؛ شامل همکاری و رقابت، همگرایی و واگرایی، نفوذ و سلطه، صلح و جنگ را در دهه‌های اخیر در بر می‌گیرد که در چارچوب کدهای ژئوپلیتیکی و عملیاتی ۱۵ کشور همسایه در شبکه محلی و محیط پیرامون نزدیک جمهوری اسلامی ایران قابل تبیین می‌باشد.

در بین شبکه‌های متداخل و همپوش چرخه قدرت همسایگی و محیط پیرامونی، یکی از بارزترین گونه‌های هم‌افزایی و دینامیسم افزاینده که به ایران مزیت قدرت نوآورانه و سازنده شبکه‌ای می‌دهد و دامنه تأثیرگذاری ایران را در برابر سایر قدرت‌های هم‌اورد افزایش خواهد داد این است که ایران، با کاربست قدرت شبکه‌ای و هیبریدی خود در ژئوپلیتیک همسایگی، از طریق کنترل ورودی‌های شبکه، ردیابی تهدیدات راهبردی، برنامه‌سازی، بهینه‌سازی و پایدارسازی قدرت عملیاتی خود، نظم شبکه محلی را سامان می‌دهد.

۲-۳. قدرت‌یابی شبکه‌ای ایران در سیکل منطقه‌ای

فهم قدرت‌یابی ایران در شبکه منطقه‌ای، مستلزم درک ساختار ارتباطات شبکه‌ای و سازه نظم منطقه‌ای است که در لایه‌ها و حوزه‌های مختلف تجلی پیدا می‌کند. رشد و تکامل قدرت‌یابی ایران در چنین ساختاری، از گذرگاه نقش‌یابی در کانون‌های نظم، در شبکه به هم پیوسته منطقه‌ای به بار می‌نشیند. در این فرایند، چگونگی توزیع و بازتوزیع الگوهای ارتباطی میان خوشه‌های نظم در شبکه منطقه‌ای و پویایی‌های درونی آن‌ها، بیشترین اثرگذاری را در نقش‌یابی ایران در شبکه منطقه‌ای دارد.

• شبکه ژئوپلیتیکی از مهم‌ترین شاخه‌های رشد و تکامل در شبکه‌سازی منطقه‌ای ایران محسوب می‌شود.

تکامل سیستم ژئوپلیتیک، از اصول تحول ارگانیکی از جمله سلسله مراتب انعطاف‌پذیر، تخصصی شدن و ساختار فضایی ادغام شده پیروی می‌کند. سیستم ژئوپلیتیک، همزمان با فرایند ادغام و پیوندسازی، فرایند تخصصی‌سازی آن نیز طی می‌شود. (Cohen, 2010) بر پایه مدل رشد و تکامل سیستم‌های پیچیده و الگوریتم رشد مبتنی بر ژئوپلیتیک در شبکه‌سازی منطقه‌ای، چرخه رشد و تکامل قدرت‌یابی ایران در چهار لایه و مسیر اصلی دریایی، زمینی، هوایی و فراسپهری قابل شناسایی می‌باشد. (Ghasemi, 2018) نقش‌آفرینی ایران در پهنه‌های اقیانوسی و توسعه قدرت دریایی راهبردی ایران به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای، توسعه فناوری‌های دفاعی و تهاجمی در عرصه هوا- فضا در سال‌های اخیر، تقویت پیوندهای هویتی در شبکه غرب آسیا و جهان اسلام، توسعه پیوندها و اتصالات ژئواکونومیک از طریق دسترسی به منابع عظیم انرژی، همچنین استفاده از ظرفیت‌های چند وجهی فضای سایبر، تنها بخشی از امکان‌های عملیاتی ظهور و بروز یافته است که توسعه نفوذ و اتصال ژئوپلیتیک ایران در شبکه منطقه‌ای و در نهایت ثبات راهبردی و معادله قدرت را به نفع ایران تغییر داده است.

- در پویش قدرت ژئوکالچری، ایران تحت‌تأثیر هویت‌های فرهنگی مشترک و سطح و میزان ارتباطات در درون شبکه خویشاوندی، پیوندهای ژئوپلیتیک خود را در شبکه قدرت منطقه‌ای سامان می‌دهد. در شبکه منطقه‌ای ایران، گستره ژئوکالچری، صرفاً منحصر به منطقه غرب آسیا نمی‌شود و به گستردگی جهان اسلام در شبکه جهانی امتداد می‌یابد. این موضوع باعث ایجاد جهندگی و انعطاف‌پذیری بیشتر شبکه منطقه‌ای ایران در پاسخ به وضعیت‌های خاص شده و به ایران این امکان را می‌دهد که با ایجاد ابرشبکه‌های ژئوکالچری در تعامل با شبکه‌های دیگر در مناطق مختلف جهان، از طریق ترتیبات منطقه‌ای و شبکه هم‌پوشان ژئوپلیتیک مقاومت، جایگاه و منزلت ژئوپلیتیک خود را در شبکه قدرت سیستمی، ارتقاء بخشیده و مزیت‌های برترساز و نامتقارن خود را در برابر بازیگران رقیب افزایش دهد.
- پویش قدرت ژئواکونومیک به‌عنوان یکی دیگر از لایه‌های قدرت‌ساز در ژئوپلیتیک شبکه‌ای - هیبریدی ایران در مقیاس منطقه‌ای - جهانی، بر اساس فرصت‌ها و ویژگی‌های اقتصادی پیوندساز تعریف می‌شود. در این شبکه، دسترسی به منابع انرژی به‌عنوان موتور محرکه و پیشران رشد و پویایی اقتصادی کشور، از جایگاه ممتازی در نقش‌یابی ایران در شبکه منطقه‌ای برخوردار است. بنابراین، ایران با استفاده از ظرفیت‌های ژئواکونومیک، درون پهنه‌های ژئوراهبردی شمالی و جنوبی، از طریق پیوندسازی نقطه‌ای و سلولی با سایر کشورها و برقراری ارتباط میان پیکرها و خوشه‌های موجود، مزیت‌های ژئوپلیتیک خود را ارتقاء بخشیده و مسیر قدرت‌یابی خود را در شبکه منطقه‌ای هموار می‌نماید.
- پویش قدرت ژئوسایبری، از دیگر بسترهای شبکه‌سازی و برهم زدن تناسبات و هم‌وزن‌سازی ساختاری در شبکه قدرت می‌باشد که ایران می‌تواند در شبکه منطقه‌ای از این ظرفیت برای عبور از فاصله‌های مکانی، جغرافیایی و زمانی استفاده نموده و مقیاس بهره‌وری و بهینه‌سازی شبکه قدرت را در حوزه‌های سیاست، فرهنگ و اقتصاد تغییر داده و از این طریق وزن ژئوپلیتیک خود را در مناسبات قدرت جهانی ارتقاء بخشد. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای دهه نود با درک نقش و کارکرد قدرت سایبری در افزایش قدرت ملی و تأمین امنیت ملی، ارتقای کشور به‌عنوان قدرت سایبری در تراز قدرت‌های تأثیرگذار جهانی

را نشانه‌گذاری نموده است. (Rahbari, 2015) بر این اساس برنامه‌ریزی راهبردی و سرمایه‌گذاری در این حوزه، مستلزم شناخت و درک عمیق سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های چندوجهی این پدیده و حوزه نوظهور قدرت می‌باشد. در حال حاضر رقابت بسیار تنگاتنگ و شدیدی بین بازیگران قدرت در سیستم بین‌الملل در حوزه قدرت سایبری در جریان می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران، بر اساس آخرین رتبه‌بندی جهانی، از نظر قدرت سایبری، با ۱۲ پله صعود در حال حاضر جزء ۱۰ قدرت برتر جهان محسوب می‌گردد و از نظر قدرت تخریبی سایبری نیز، ایران بعد از ایالات متحده آمریکا، چین، و انگلستان، در رتبه پنجم جهان قرار دارد. (NCPI, 2022)

۳-۳. ژئوپلتیک شبکه‌ای و مهندسی قدرت شبکه‌ای - هیبریدی ایران در مقیاس فرامنطقه‌ای

در نظم نوپدید و در حال تکوین جهانی هیچ دست نامرئی در فضای ژئوپلتیک وجود ندارد و در فرایند گذار قدرت سیستمی، هر یک از اعضای جامعه بین‌المللی بر اساس کدهای ژئوپلتیکی اختصاصی خود و اتخاذ رویکردهای بدیع و خلاقانه، موقعیت خود را در شبکه قدرت بهبود می‌بخشند. در شرایط حاضر، دو نظم رقیب در شبکه ژئوپلتیکی در مقیاس جهانی مشتمل بر نظم آسیایی با محوریت چین و نظم آتلانتیکی با محوریت ایالات متحده آمریکا قابل تفکیک هستند که از پیوند آن‌ها با یکدیگر نظم شبکه ژئوپلتیکی در مقیاس جهانی تکامل می‌یابد (Khanna, ۲۰۱۹). در این میان به دلیل پیوستگی‌های ژئوپلتیکی و همزمانی پویای قدرت شبکه‌ای ایران در بخش‌های ژئوکالچری و ژئواکونومیکی در شبکه آسیایی، قدرت‌یابی سیستمی ایران پیوند نزدیکی با ژئوپلتیک شبکه‌ای در محور آسیایی دارد که در چند بخش قابل تبیین می‌باشد.

۳-۳-۱. ژئوپلتیک شبکه‌ای اوراسیای شرقی و آسیا-پاسیفیک

جریان ژئوپلتیکی اوراسیای شرقی و آسیا-پاسیفیک، یک جریان ژئوپلتیکی نوپدید و قدرتمند در شبکه جهانی محسوب می‌شود که می‌تواند به‌عنوان یکی از گذرگاه‌های رشد و تکامل شبکه منطقه‌ای ایران، پیوندها و اتصالات ایران به شبکه جهانی را برقرار نماید. (Patton & Sato, 2023) شکل و شاکله قدرت در این شبکه به دلیل رقابت قدرت‌های بزرگ درون شبکه‌ای و حضور پررنگ و مشهود ایالات متحده در مناسبات و ترتیبات منطقه‌ای، ناهمواری‌ها و پیچیدگی‌های زیادی را در مسیر ساخت‌یابی نظم شبکه‌ای ایجاد کرده و دارای توازن سیال و شکننده است. در حال حاضر در این شبکه ژئوپلتیکی، دو نظم رقیب و موازی در حال شکل‌گیری است:

۳-۳-۲. سازه نظم آسیا-پاسیفیک با محوریت چین و ابتکار پهنه و راه

این ابتکار راهبردی در سال ۲۰۱۳ توسط چین با هدف احیای جاده ابریشم باستانی مطرح شده است که شبکه‌ای از اتصالات و درهم‌تنیدگی‌های شبکه‌ای با مشارکت بازیگران قدرت در ابرشبکه آسیایی را بسترسازی می‌کند. (Bain, F & Xie, Y. 2016) کشور چین با توسعه زیرساخت‌های قاره‌ای و فراقاره‌ای در چارچوب این طرح، اهداف ژئوپلتیکی و ژئواکونومیکی مهمی را دنبال می‌کند که امکان افزایش قدرت

نوآورانه و سازنده این کشور و سایر بازیگران درون شبکه‌ای از جمله ایران را فراهم آورده و با محدود ساختن سیاست چرخش به شرق ایالات متحده موازنه شبکه‌ای را به نفع بازیگران در محور آسیایی تغییر می‌دهد. (Djankov, & Miner, S 2016: 1-35)

۳-۴. سازه نظم هندوپاسفیک با محوریت ایالات متحده آمریکا

به موازات نظم شبکه‌ای آسیا-پاسفیک که با محوریت چین در حال تکوین است، یک نوع چندجانبه‌گرایی موازی نیز با ابتکار اولیه ژاپن و مشارکت فعال هند با محوریت آمریکا در چارچوب استراتژی هندوپاسفیک به‌عنوان شبکه ژئوپلیتیکی هم‌پوش و متناظر شبکه آسیا-پاسفیک با جهت‌گیری ضد چینی و با هدف مهار چین و موازنه‌سازی در برابر این کشور از سال ۲۰۱۴ شکل گرفته که یک چالش اساسی برای نظم آسیایی با محوریت چین است. ایالات متحده در چارچوب این ابتکار راهبردی (هندوپاسفیک) از طریق پیوندسازی بین قدرت‌های مهم منطقه‌ای مثل ژاپن، هند و استرالیا، اهداف ژئوراهبردی مهمی از جمله مهار چین را دنبال می‌کند. از این رو، مهم‌ترین دغدغه امنیتی آمریکا در محیط امنیتی پیچیده شبکه آسیایی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان دولتی در درون این شبکه منطقه‌ای است و در قرن بیست و یکم، اولویت اول سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، حفظ موازنه و برتری این کشور به‌عنوان یک قدرت پاسیفیکی است. (Department of Defence, 2019: 3-9) کشور هند با اتخاذ دکترین استقلال راهبردی و نیز دکترین دوستی با همه، ائتلاف با هیچ کس، به صورت همزمان دو مسیر را در فرایند قدرت‌یابی خود دنبال می‌نماید: در عرصه همکاری‌های راهبردی، ارتقای نظم چند قطبی در روابط بین‌الملل را دنبال نموده و در عرصه همکاری‌های اقتصادی و توسعه‌ای نیز تقویت پیوندهای راهبردی و تعامل با همه مراکز قدرت جهانی و منطقه‌ای را در دستورکار قرار داده است. در این میان جمهوری اسلامی ایران از طریق ظرفیت‌های ناشی از عضویت در سازمان همکاری شانگهای و تقویت چندجانبه‌گرایی نهادی در کنار قدرت‌های اصلی عضو این سازمان (چین و روسیه) می‌تواند موازنه‌گرایی آمریکا در این زیرشبکه منطقه‌ای را خنثی، مزیت‌های راهبردی خود را در این قلمروی جغرافیایی تقویت نموده و از کدهای ژئوپلیتیکی این کشورها برای رسیدن به منزلت جهانی و تقویت قدرت شبکه‌ای خود بهره‌برداری نماید.

۳-۵. ژئوپلیتیک شبکه‌ای اوراسیای مرکزی (آسیای مرکزی، روسیه و قفقاز)

شبکه ژئوپلیتیکی اوراسیای مرکزی، یکی از گستره‌های ژئوپلیتیکی در حوزه پیرامونی شبکه منطقه‌ای ایران است که در سده‌های پیشین، بخشی از این منطقه در قلمرو سیاسی و فرهنگی ایران قرار داشته و به‌عنوان حوزه تمدنی ایران بزرگ از آن یاد می‌شده است. (Vinokurov & Libman, 2012a: 81-84) در این شبکه ژئوپلیتیکی، کشور روسیه از موقعیت کانونی و نقش مسلط برخوردار بوده و به دنبال بازیابی و بازسازی پیوندهای سیاسی و اقتصادی دوران امپراطوری شوروی در شبکه منطقه‌ای و بازسازی نقش و کارکرد امپراطوریایی خود می‌باشد. بر همین اساس، روسیه در رویکرد اوراسیایی خود، در جستجوی ایفای نقش مسلط در حوزه پیرامونی بوده و ورودی‌های آشوب‌ساز در شبکه‌ی منطقه‌ای و محیط پیرامونی خود را با



حساسیت کنترل می‌کند. (Krickovic & Pellicciari, 2021: 1-14) با همه اینها، اشتیاق مشترک برای مهار قدرت آمریکا موجب شده است تا تهران و مسکو، اطلاعات نظامی و فناوریانه خویش را با یکدیگر به اشتراک بگذارند؛ مانورهای نظامی مشترک انجام دهند، قراردادهای بلندمدت در زمینه‌های تجاری امضاء کنند و مواضع خود را در بحران‌های ژئوپلیتیک و نظم شبکه‌ای هماهنگ نمایند. از طرفی، با توجه به وضعیت ایران از نظر ژئوپلیتیک دسترسی و واقع شدن در کانون شبکه کریدوری اوراسیا، این شبکه ژئوپلیتیکی، ظرفیت‌های بسیار مهمی در زنجیره تولید و عرضه جهانی در اختیار ایران قرار می‌دهد و موجب به هم پیوستگی و اتصال جمهوری اسلامی ایران به بازارهای جهانی می‌گردد. (Pomerlyan & Belitski, 2023)

۳-۶. ژئوپلیتیک شبکه‌ای جنوب آسیا

این منطقه، هر چند از لحاظ جغرافیایی، پیوستگی نسبتاً نزدیکی با شرق آسیا دارد، اما از نظر ژئوپلیتیکی، از آن دور است و پویای امنیتی آن متمایز از شبکه‌های همجوار است. کشور هند در این گستره ژئوپلیتیکی، به‌عنوان بازیگر اصلی، از موقعیت کانونی و مرکزی برخوردار است. این کشور به دلیل موقعیت پیوندی، نوعی پل ارتباطی بین قدرت‌های قاره‌ای اوراسیا یعنی چین و روسیه محسوب شده و دو شبکه ژئوپلیتیکی آسیا-پاسفیک و اوراسیای مرکزی را به یکدیگر پیوند می‌دهد و از این منظر یک گره ارتباطی مهم بین شبکه‌ای محسوب می‌شود که در ارتقای این کشور به جایگاه یک قدرت بزرگ شبکه‌ای بسیار مؤثر است. از سویی، عضویت کشور هند در گروه بریکس، موقعیت و منزلت ویژه‌ای در لایه‌بندی‌های اقتصاد سیاسی بین‌الملل بخشیده است. (Stunkel, Oliver, 2015) یکی از ویژگی‌های این شبکه منطقه‌ای، ابتکارات برون شبکه‌ای و پیوندها و اتصالات با سایر شبکه‌های رقیب در سیستم جهانی است. عضویت دو بازیگر اصلی این شبکه یعنی هند و پاکستان در پیمان‌های مهم منطقه‌ای خارج از شبکه، از قبیل شانگهای و بریکس و گروه ۲۰، نمایانگر خصلت برون‌گرا بودن این شبکه منطقه‌ای است. ایران در این گستره ژئوپلیتیکی از ظرفیت‌ها و کدهای عملیاتی مهمی برای پیوندسازی برون شبکه‌ای در ساختار ژئوپلیتیک شبکه‌ای و هیبریدی برخوردار است. از این منظر، شبکه منطقه‌ای ایران با شرکای خود در شبکه آسیای جنوبی دارای خصلت در هم فرورفتگی‌های شبکه‌ای هستند و می‌توانند یکدیگر را در روند فراوری قدرت شبکه‌ای در ژئوپلیتیک شبکه‌ای و هیبریدی تقویت کنند. هرچند پویای قدرت شبکه‌ای و رقابت کشورها در ایجاد کریدورهای راهبردی در لایه‌های مخلف می‌تواند به‌عنوان یک دینامیسم کاهنده قدرت شبکه‌ای ایران عمل نماید اما جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق قدرت ویرانگر شبکه‌ای بویژه در شبکه ژئوپلیتیکی مقاومت، در برابر قدرت‌های رقیب در ژئوپلیتیک دسترسی و کریدورهای راهبردی موازنه‌سازی ایجاد نماید. عملیات تنبیهی وعده صادق و تقویت بازیگران شبکه مقاومت، یکی از مصادیق کنش‌گری فعال جمهوری اسلامی برای خنثی‌سازی تحرکات راهبردی بازیگران رقیب از جمله کشورهای منطقه، هند و اسرائیل برای دور زدن ایران از طریق کریدور ترانزیتی ترکیبی (زمینی و دریایی) آی‌مک^۱ می‌باشد.

1. India-Middle East-Europe Economic Corridor (IMEC)

۷-۳. ژئوپلیتیک شبکه‌ای جهان اسلام

جهان اسلام، بر اساس عوامل برترساز ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی، ژئوکالچری و ژئوراهبردی، به صورت بالقوه و بالفعل، از قابلیت شکل دادن به یک جریان قدرت رقیب در شبکه ژئوپلیتیکی جهانی برخوردار است. این موضوع، به تنهایی امکان پیوندسازی و شبکه‌سازی را به قدرت‌ها و بازیگران قدرت در این شبکه ژئوپلیتیکی می‌دهد. جهان اسلام از نظر ساختار فضایی و جغرافیایی، شامل سرزمین‌های وسیع و به هم پیوسته از شمال آفریقا تا غرب آسیا و از کرانه‌های اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام شرقی به وسعت ۳۲ میلیون کیلومتر مربع و قریب یک چهارم مساحت خشکی‌های جهان را شامل می‌شود (Hafeznia, 2000: 276) که پیونددهنده شبکه‌های ژئوپلیتیکی متداخل در قاره‌های مختلف به یکدیگر می‌باشد. این موضوع، به تنهایی امکان پیوندسازی و شبکه‌سازی به قدرت‌ها و بازیگران قدرت در این شبکه ژئوپلیتیکی می‌دهد. البته این امر مستلزم، مدیریت دینامیسم‌های کاهنده و مهار ورودی‌های آشوب‌ساز در شبکه می‌باشد که به صورت بالقوه می‌تواند به عنوان مانعی در تبدیل منابع قدرت در جهان اسلام در فرایند رشد و تکامل قدرت شبکه‌ای بازیگران عمل نماید. در این میان، جمهوری اسلامی ایران، به دلیل برخورداری از مزیت‌های برترساز ژئوکالچری با تأثیرات جهانی، از موقعیت‌هارتلندی در این شبکه ژئوپلیتیکی برخوردار می‌باشد. مهم‌ترین نشانگان ایران به عنوان قدرت مرکزی در شبکه ژئوپلیتیکی جهان اسلام می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. خوانش جدید از مفهوم قدرت در جهان سیاست و طرح یک الگوی جدید در منظومه حکمرانی جهانی مبتنی بر استراتژی تمدنی وحدت اسلامی به عنوان هسته سخت الگوی زیست انسانی در جهان مدرن که به عنوان یک دینامیسم نوپدید در روابط بین‌الملل، امکان توسعه و گسترش ژئوپلیتیکی، پیوندسازی بین کشورها و ملت‌ها و در نهایت افزایش عمق راهبردی جهان اسلام در چرخه قدرت جهانی را فراهم می‌آورد. (Khosropanah, 2019: 201-204) در این الگوی حکمرانی، مصالح جمعی واحدها بر منافع ملی آن‌ها تقدم پیدا کرده و در نوع خود یک ظرفیت و خلاقیت پایان‌ناپذیر برای تولید قدرت در حیات اجتماعی و زندگی بین‌المللی محسوب می‌گردد و امکان عملیاتی تبدیل تهدیدات درون شبکه‌ای به فرصت‌های توسعه شبکه ژئوپلیتیکی جهان بیش از پیش فراهم نموده است. جمهوری اسلامی با استفاده از این مزیت راهبردی، از دینامیسم قدرت سازنده و نوآورانه شبکه‌ای در چرخه رشد و تکامل قدرت منطقه‌ای و سیستمی خود برخوردار شده و مبتنی بر کدهای عملیاتی موجود در شبکه ژئوپلیتیکی جهان اسلام، تهدیدات راهبردی را کمینه‌سازی نموده و ثبات راهبردی در روابط با قدرت‌های برون شبکه‌ای ایجاد می‌نماید.

۲. تغییر موازنه قدرت به نفع اسلام و مسلمانان در میدان درگیری با تمدن غرب، بعد از انقلاب اسلامی، از دیگر موضوعاتی است که باعث تکامل موقعیت‌هارتلندی جمهوری اسلامی در شبکه ژئوپلیتیکی جهان اسلام شده است. بر این اساس، انقلاب اسلامی، حرکتی بدیع در جهت متوقف ساختن روند معکوس قدرت‌یابی ایران و جهان اسلام بعد از قرن‌ها حاشیه‌نشینی و انزوا در جهان قدرت و سیاست در مقیاس ملی و جهانی محسوب می‌گردد. اصلی‌ترین شاخصه این انقلاب بزرگ، بازگردان دین به عرصه حیات جمعی انسان‌ها و کاربست ایده اسلام انقلابی (نظام سیاسی اسلام) به عنوان یک الگوی بدیل و راهبردی



در معماری هندسه قدرت جهانی و راهبری جریان‌های قدرت و نفوذ در جهان اسلام می‌باشد. بنابراین، انقلاب اسلامی، صرفاً یک تغییر و تحول در مقیاس ملی و مبتنی بر منافع ایران نمی‌باشد، بلکه یک حرکت و تحول بنیادین در مقیاس جامعه جهانی و آغاز یک عصر جدید در جامعه بشری به سمت افق‌های جدید و ایجاد انفتاح و گشایش راه جدید و شکستن انسداد تاریخی‌ای بود که رنسانس غربی و بلوک‌های قدرت مادی ایجاد کرده بودند. در این چارچوب، انقلاب اسلامی، مفهوم قدرت را تغییر داده و قدرت نرم جدیدی تولید نموده که از جغرافیای سرزمینی ایران عبور کرده و به جغرافیای غرب نفوذ کرده و معادله قدرت را به نفع ایران و جهان اسلام تغییر داده است. (Mirbagheri, 2021) در این معنا، دیگر قدرت فقط به مؤلفه‌های مادی ترجمه نمی‌شود و با جابجایی هسته سخت قدرت در الگوی جدید، موازنه قدرت هوشمند به‌عنوان مکانیزم پایدارسازی و بهینه‌سازی نظم شبکه‌ای موضوعیت پیدا می‌کند. بر پایه این رویکرد، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، رهبری عالی ایران، معتقدند؛ انقلاب اسلامی، سرآغاز احیای تمدن شکوهمند اسلامی و بازگشایی دروازه‌ای به سوی مسلمانان است که سرانجام آن تفوق بر سه قرن برتری طلبی غرب و نظم جایگزین در تضاد و تقابل با نظم مستقر خواهد بود:

«آنچه امروز در برابر چشمان ما قرار دارد و هیچ انسان مطلع و هوشمندی نمی‌تواند آن را انکار کند، آن است که اکنون جهان اسلام از حاشیه معادلات اجتماعی و سیاسی جهان خارج شده، جایگاه برجسته و ممتازی را در مرکز وقایع تعیین‌کننده جهانی تصاحب کرده و چشم‌انداز تازه‌ای از زندگی، سیاست، حکومت و پیشرفت‌های اجتماعی به همگان ارائه می‌کند و این در دنیای کنونی که پس از شکست کمونیسم و لیبرالیسم، دچار خلأ فکری و نظری شده است، پدیده‌ای مهم و پرمعنی به شمار می‌رود. در این میان، جمهوری اسلامی در مرکز جریان بیداری ملت‌ها قرار دارد و همین واقعیت راهبردی است که دشمنان را نگران کرده است.» (Khamenei.ir, 2013)

علاوه بر این از منظر اندیشمندان غربی نیز این موقعیت پیوندی و هارتلندی بویژه در ابعاد نرم‌افزاری قدرت و پیامدهای راهبردی آن در گسترش حوزه نفوذ ژئوپلتیکی ایران مورد توجه قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه ریچارد هاس دیپلمات برجسته آمریکایی معتقد است: "سیاست در رابطه با ایران نمی‌تواند یک بعدی باشد، هرچند بعد هسته‌ای ممکن است از اهمیت برخوردار باشد. ایران با هر استاندارد، یک قدرت عمده منطقه‌ای است. فقط تا حد کمتری، عربستان سعودی و ترکیه می‌توانند با ایران در خاورمیانه، رقابت کنند. ایران همچنین یک بازیگر بسیار پیچیده با یک حکومت چندلایه، یک ایدئولوژی قوی، چند نیروی نیابتی، یک نیروی نظامی قدرتمند و دارای پیوندهای نزدیک با مردم شیعه در منطقه است. جمهوری اسلامی ایران پس از چهار دهه از حیات خود امن است و سیاستی که به دنبال تغییر در این امنیت باشد غیرواقع‌بینانه است. سیاست معقول این است که در چارچوب یک الگوی ترکیبی (همکاری و دیپلماسی) مثل چین و روسیه با این قدرت نوظهور تعامل برقرار نمود" (Haass, 2018: 179)

۳. انتخاب استراتژی مقاومت فعال در برابر جریان سلطه و نفوذ تمدن غرب و نظم لیبرال غربی در جهان کنونی و نفی رابطه مبتنی بر استیلاطلبی و سلطه‌پذیری در مناسبات جهانی، یک تغییر راهبردی و بنیادین در رویکرد به ماهیت نظم جهانی (Khosropanah, 2019: 11-22).

محسوب می گردد که باعث شکل گیری و تکوین همگرایی و همسویی راهبردی جنبش های ضد سیستمی با جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کارگزاران مهم قدرت شبکه ای در جهان اسلام شده است. اتخاذ این ابتکار راهبردی توسط ایران در تقاطع فشارهای سیستمی و تهاجم سنگین غرب بعد از انقلاب اسلامی، باعث تغییر ادراک بازیگران در ساحت رقابت و تولید قدرت در بازی بزرگ شده و سایر بازیگران نوظهور نیز حاضر به پذیرش نظم سلسله مراتبی و هژمونیک غرب نیستند. افول نسبی هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیا، بعد از ۸۰ سال سیطره و نفوذ و در امتداد آن تغییر رویکرد متحدین راهبردی ایالات متحده نسبت به دشمن راهبردی این کشور در شبکه منطقه ای، یکی از نشانگان مهم قدرت یابی ایران در مقیاس منطقه ای در این بخش از جهان اسلام می باشد که در چارچوب استراتژی مقاومت فعال شکل گرفته است.

۴. در نظریه سیاسی جمهوری اسلامی و در ادبیات انقلاب اسلامی، تحقق استقلال ملی در سطح دولت-ملت ها، آغازی بر پویش استقلال طلبانه جهانی بوده و در بستری از کثرت گرایی سیاسی و پیوستاری منطقی از استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورها در مناسبات و تعاملات سیاسی، نقش یابی واحدها در شبکه ژئوپلیتیکی تدارک می شود. بر این اساس دستور کار نظم سازی و تولید قدرت از نگاه سیاست ایرانی، مبتنی بر فعال سازی خطوط گسل و منازعه بین کشورهای اسلامی نبوده و تعامل سازنده و مؤثر با کشورها در چارچوب احترام متقابل، حفظ منافع مشترک کشورها بوده و مأموریت انقلاب اسلامی به گونه ای است که در نهایت به توسعه اقتدار و عزت کشورهای اسلامی و مسلمانان در کلیت شبکه ژئوپلیتیکی جهان اسلام ختم می شود. (سند چشم انداز بیست ساله ج.ا.ا، ۱۴۰۴) به یک معنا، دیپلماسی شبکه ای ایران، دیپلماسی تولید قدرت و اقتدار برای کل جهان اسلام بوده و هدف غایی نظام سازی و شبکه سازی در چرخه قدرت، ناظر به امت سازی و توسعه ژئوپلیتیک مقاومت در مقیاس راهبری تمدنی و تأثیرگذاری بر موازنه راهبردی در سطح جهانی است.

۵. راهبرد کلان انقلاب اسلامی، برقراری موازنه درونی و بیرونی در برابر تمدن رقیب یعنی لیبرال دموکراسی غربی است. این استراتژی نه تنها بین کشورهای اسلامی در شبکه ژئوپلیتیکی جهان اسلام که در سایر شبکه های ژئوپلیتیکی رقیب تمدن غرب نیز مورد اقبال واقع شده است. شکل گیری همسویی و همگرایی راهبردی بین بازیگران قدرت در شبکه آسیایی؛ یعنی چین، روسیه و ایران به عنوان اضلاع مثلث راهبردی در چرخه قدرت جهانی، یکی دیگر از نشانگان مهم و اساسی در زمینه ایجاد موازنه بیرونی در برابر نظم رقیب (غرب) می باشد که نقش یابی ایران در یک فرایند تکاملی در بستر شبکه ژئوپلیتیکی جهان اسلام را نوید می دهد.

۶. انعطاف پذیری بالا و قابلیت سازواری و انطباق در فرایند هماهنگ سازی محیط سیاست گذاری با ضرورت های راهبردی، متناسب با شبکه ظریف و پیچیده مناسباتی در جهان اسلام؛ در شبکه ژئوپلیتیکی جهان اسلام، مجموعه متکثری از قانون های قدرت و نفوذ با اهداف ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی مختلف وجود دارد که هر کدام رویکردهای متفاوتی به نظم دارند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران، به واسطه برخورداری از دقیق ترین سنت حکومت داری و پیشینه راهبردی و منسجم ترین شکل ملیت در میان



کشورهای منطقه و جهان اسلام، از ظرفیت لازم برای هم‌گرا نمودن جریان‌های ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی متعارض در جهان اسلام برخوردار می‌باشد. تجربه حکمرانی بعد از انقلاب اسلامی نیز مؤید این موضوع می‌باشد. ایران در این مقطع زمانی، با بی‌اعتنایی به جامع‌ترین تحریم‌های بین‌المللی که تاکنون بر یک کشور در تاریخ روابط بین‌الملل تحمیل شده با استفاده از این قابلیت (سازواری و انطباق) مهارت و پایداری فوق‌العاده‌ای از خود نشان داده و چشم‌انداز راهبردی منطقه را به نفع خود و جهان اسلام تغییر داده است. بر همین مبنا، کسینجر در کتاب خود نظم جهانی توصیه می‌نماید، ایالات متحده باید خود را مهیا نماید تا در خصوص نظم ژئوپلیتیکی منطقه و بر مبنای اصل وستفالیایی عدم مداخله، به درک متقابل با ایران برسد و به تعریفی هماهنگ با تعریف این کشور از نظم منطقه‌ای دست پیدا کند. (Kissinger, 2014)

۴. راهبردهای فراوری قدرت شبکه‌ای - هیبریدی ایران

۴-۱. ژئوپلیتیک دسترسی

توسعه افقی و عمودی ژئوپلیتیک دسترسی در حال حاضر در دنیای مبتنی بر پیچیدگی، جایگاه ممتازی در استراتژی‌های ژئوپلیتیکی کشورها پیدا کرده است. (Witlox, 2019: 2) جغرافیای حمل و نقل و ترانزیت در محیط پویای جهان کنونی، صرفاً یک واقعیت با پس‌زمینه اقتصادی و توسعه‌ای نیست، بلکه کشورها از این کریدورها برای شبکه‌سازی، پیوندسازی و رقابت راهبردی با بازیگران در چرخه قدرت بهره‌برداری نموده و بخشی جدایی‌ناپذیر از راهبردهای تولید و فراوری قدرت در سیستم نوین بین‌الملل محسوب می‌گردد. کشور ایران متأثر از بنیان‌های ژئوپلیتیکی و موقعیت‌هاریتلندی در زمینه ارتباطی، از امکان‌های عملیاتی مختلفی برای توسعه و تعمیق ژئوپلیتیک دسترسی در شبکه نوین ژئوپلیتیک بین‌المللی برخوردار بوده و به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در حوزه کریدورهای آسیایی از طریق کریدورهای مهم و راهبردی زیر می‌تواند، ژئوپلیتیک دسترسی خود را تقویت نماید.

۴-۱-۱. کریدور شمال - جنوب (INSTC)^۱

کریدور شمال - جنوب، به‌عنوان یکی از متغیرهای ضروری برای ایجاد و صلح و امنیت پایدار اقتصادی در کشورهای حوزه ژئوپلیتیکی آسیا - اقیانوسیه نقش مهمی در پایان بخشیدن به محاصره ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران دارد. ایران نقطه ثقل مسیر شمال - جنوب و بندر اقیانوسی چابهار کانون این کریدور راهبردی است. با توجه به تنش‌های هند، پاکستان و چین، ایران، یگانه راه هندی‌ها برای تنفس و خروج از محاصره ژئوپلیتیکی و اتصال به آسیای مرکزی و اوراسیاست. (INSTC, 2025, <https://21stcenturywire.com>) جمهوری اسلامی ایران با توسعه و فعال‌سازی تمامی حلقه‌های زنجیره شبکه چند وجهی این کریدور می‌تواند قطب اتصال بین اکو، آسه آن، اتحادیه اقتصادی

1. International North-South Transport Corridor

اوراسیا، شورای همکاری خلیج فارس، هند، آسیای مرکزی، غرب آسیا، شبه قاره و شمال و شرق اروپا باشد، چرا که تمامی شعب این کریدور از ایران عبور می کنند و گذرگاه کلیدی آن برای روسیه و هند محسوب می شود.

۴-۱-۲. کریدور سه گانه آلتید^۱

یکی دیگر از کریدورهای بین المللی است که در سال ۱۹۹۲ به منظور تسهیل حمل و نقل زمینی توسط کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه سازمان ملل (ESCAP) در شبکه ژئوپلیتیکی آسیایی تأسیس شده است. (United Nation, 2001) کریدور آلتید شامل سه کریدور شمالی، مرکزی و جنوبی می باشد و مرز شمالی ایران و ترکمنستان و مناطق حاشیه دریای خزر و بندر ترکمن را شامل می شود؛ بدین صورت که در کریدور شمالی کشورها از طریق روسیه و قزاقستان به اروپا متصل می شوند، در کریدور جنوبی با گذر از مرز شمالی ایران و کشور ترکمنستان به ترکیه، بلغارستان و در انتها به اروپا متصل می گردند و در نهایت کریدور مرکزی شامل مسیری از ترکمنستان، دریای خزر، بندر ترکمن، شهر باکو و مرکز اروپا می باشد. یکی از مزیت های ژئوپلیتیکی کریدور آلتید در محور شرق به غرب شبکه کریدورهای بین المللی، تثبیت جایگاه ایران در نظم شبکه ای و تثبیت موازنه خطوط ترانزیتی در منطقه به نفع ایران است. البته در حال حاضر، وقوع تنش های ژئوپلیتیکی در حوزه قفقاز و منازعه بر سر قره باغ بین آذربایجان، ارمنستان و ایران و شکل گیری عدم قطعیت های ژئوراهبردی در این حوزه ژئوپلیتیکی، بهره مندی حداکثری ایران از مزیت های ژئوپلیتیکی این کریدور را در کوتاه مدت به محاق برده است.

۴-۱-۳. کریدور تراسیکا^۲

شامل سیستم حمل و نقل ترکیبی در منطقه آسیای مرکزی، قفقاز و اروپای شرقی است که نقش مهمی در احیای یکی از مسیرهای راه تاریخی ابریشم ایفا می کند. شاخه جنوبی این کریدور از ایران معرفی شده که از مرز ترکمنستان وارد ایران و سپس از طریق مرز بازرگان وارد ترکیه می شود. در صورتی که کشورهای عضو تراسیکا، موفق شوند تمامی ظرفیت های این کریدور راهبردی را فعال نمایند، با تکمیل شبکه دسترسی کشورهای عضو به یکدیگر، یک رنسانس بزرگ در توسعه حمل و نقل بین المللی از طریق مسیر باستانی جاده ابریشم محسوب می شود. (Keser, 2015: 180)

۴-۱-۴. کریدورهای حمل و نقلی و ترانزیتی سازمان همکاری های اقتصادی اکو

در چارچوب سازمان اکو، کشورهای اروپایی، قفقاز و آسیای مرکزی، غرب و جنوب آسیا را به یکدیگر متصل می کند. از میان ۱۰ کشور عضو اکو، هفت کشور، محصور خشکی بوده و به دلیل عدم دسترسی به آب های آزاد، درگیر تنگناهای ژئوپلیتیکی هستند و تنها سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان به آب های آزاد دسترسی

1. Economic and Social Commission for Asia and the Pacific (E.S.C.A.P)

2. Transport Corridor Europe-Caucasus-Asia (TRACECA)

دارند. در این میان، ایران با قرار گرفتن در مرکزیت جغرافیایی کشورهای عضو اکو، از مزیت ژئوترانزیتی بالایی برخوردار بوده و در زنجیره حمل و نقل بین این کشورها، از موقعیت کانونی برخوردار است. (IRU, 2020: 9)

۴-۱-۵. کریدور استانبول-تهران-اسلام‌آباد (ITI)^۱

این کریدور به‌عنوان یکی از کریدورهای راهبردی در شبکه آسیایی، ۶۵۰۰ کیلومتر طول داشته و مسیر ۴۵ روزه دریایی را به ۱۱ روز کاهش می‌دهد و با کاهش مدت زمان و تسریع در انتقال کالا و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، سهم قابل توجهی در بهبود روابط اقتصادی و توسعه تجارت بین سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه ایفا نموده و تنش‌های ژئوپلتیکی بین این کشورها را کمینه‌سازی می‌نماید. (Yasir, 2021)

۴-۲. دیپلماسی شبکه‌ای و هیبریدی

دیپلماسی یکی از ابزارهای مهم و عملیاتی برای فراوری قدرت شبکه‌ای کشورها و تبدیل توانمندی‌ها و قابلیت‌های واحدها در حوزه‌های مختلف به قدرت سیستمی و ساختاری، در زیست‌جهان مدرن محسوب می‌گردد. این مفهوم در بستر سیستم‌های پیچیده و آشوبی و شبکه‌ای شدن قدرت در روابط بین‌الملل، در برگیرنده طیف وسیعی از اهداف، منافع و راهبردها است که به اشکال مختلفی صورت‌بندی می‌شود.

۴-۲-۱. دیپلماسی شبکه‌ای نظامی و امنیتی؛

به‌عنوان یکی از ابداعات بعد از جنگ سرد در روابط بین‌الملل، بر پایه تغییر ادراک بازیگران در ارتباط با امنیت ملی و بین‌المللی، درک وسیع‌تری را نسبت به نقش و کارکرد قدرت نظامی و امنیتی کشورها فراتر از نقش‌های تهاجمی و پدافندی یا بازدارنده ایجاد کرده است. (Leach, 2018) دیپلماسی نظامی و امنیتی کلاسیک که تا قبل از این، بر روابط نظامی کشورها متمرکز بود و به حوزه نظامی کلاسیک محدود می‌شد، در دهه ۱۹۹۰ به دلیل تحولات نوپدید در سیستم بین‌الملل، مبتنی بر متغیرهایی همچون: افزایش پیوستگی و وابستگی متقابل پیچیده، ظهور بازیگران جدید در صحنه جهانی و همچنین تکامل دیپلماسی عمومی و رویکرد چندضلعی به سیاست خارجی، فضا را برای برداشت جدیدی از دیپلماسی باز کرده و اجرای اهداف سیاست خارجی را به اهداف بخش دفاعی و امنیتی پیوند داده است. ایران در چارچوب دیپلماسی شبکه‌پایه و کارگزارپایه، می‌تواند از ظرفیت‌ها و بن‌مایه‌های موجود در شبکه‌های ژئوپلتیکی منطقه‌ای استفاده نموده و از راه‌پی‌ریزی لایه‌های شبکه‌ای، سازگارپذیری، توانایی و قدرت مانور نظامی و امنیتی خود را در گستره‌های ژئوپلتیکی افزایش دهد.

۴-۲-۲. دیپلماسی عمومی و فرهنگی نوین؛

به‌عنوان یک رویکرد چندوجهی و در حال گسترش، فراتر از دولت‌ها و کانال‌های رسمی در کشور میزبان و با استفاده از ابزار رسانه، شبکه‌سازی در محیط ژئوکالچری را راهبری می‌کند.

(Kennon H. Nakamura and Susan B. 2007: 12) نقش پدافندی در مهار قدرت نرم قدرت‌های رقیب و همچنین نقش آفندی در ترویج قدرت نرم و منطق و مزیت‌های فرهنگی ایران در حوزه تمدنی به ویژه در حوزه اکو (Noroozi, 2011) داشته و می‌تواند قدرت سازنده و مولد ایران در شبکه ژئوکالچری را تقویت کند. پیامد راهبردی این موضوع، ایجاد پیوستگی فضایی و تقویت اتصالات و پیوندهای ژئوپلیتیکی ایران با شبکه گسترده ژئوپلیتیکی جهان اسلام و بازتعریف موقعیت راهبردی و تقویت جایگاه ایران در این شبکه خواهد بود.

۳-۲-۴. دیپلماسی سایبری و دیجیتال؛

به‌عنوان یک رویه نوظهور بین‌المللی، منافع دولت‌ها و اهداف راهبردی آن‌ها را با پویایی‌های ایجاد شده در جامعه جهانی، پیوند می‌دهد. بر خلاف سایر قلمروهای سیاست جهانی، به دلیل مشکلات مربوط به انتساب در حوزه سایبری، تکیه بر بازدارندگی از طریق اقدامات تلافی‌جویانه برای دولت‌ها در این حوزه، مشکل‌ساز خواهد بود. این ویژگی، مدیریت روابط سایبری و حاکمیت فضای سایبری را پیچیده و شکننده کرده است. (Barrinha & Renard, 2017: 353-364) با همه اینها، یکی از شاخصه‌های دولت‌مداری مطلوب و فراوری قدرت در قرن بیست و یکم داشتن استراتژی سایبری یا دیپلماسی وب‌محور است که به لحاظ ماهیت فراگیر و سیالی که دارد، ابزارهای تأثیرگذاری بیشتری برای توسعه نفوذ و قدرت شبکه‌ای کشورها در اختیار قرار می‌دهد.

۴-۲-۴. دیپلماسی انرژی؛

انرژی به‌عنوان یک متغیر ژئواکونومیک، جایگاه ویژه‌ای در روابط قدرت در نظام جهانی معاصر باز کرده و دسترسی به منابع انرژی برای تمامی سطوح سلسله مراتب قدرت، اهمیتی راهبردی پیدا کرده است. در این میان فراوری ثروت و جریان انباشت سرمایه از راه منابع، در کانون دیپلماسی انرژی قرار گرفته و بخشی از جریان تولید قدرت در سازه‌های ژئواکونومیک از این مسیر در شبکه ژئوپلیتیکی کشورها ترابد می‌شود. جمهوری اسلامی ایران، با واقع شدن در مرکز بیضی راهبردی انرژی جهان و به‌عنوان دارنده جایگاه بالای منابع نفت و گاز جهان، از جایگاه پیوندی در ژئوپلیتیک انرژی جهان برخوردار است که امکان نقش‌آفرینی در اقتصاد انرژی در مقیاس جهانی را برای این کشور فراهم می‌کند. (Naji, 2011: 155-175)

۵-۲-۴. دیپلماسی اقتصادی و تجاری نوین؛

در جهان شبکه‌ای‌شده کنونی، قدرت اقتصادی به‌عنوان یکی از سازوکارهای ایجادکننده یا تشدیدکننده فرایندها و پویای‌های قدرت در سازه‌های ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود. هر چند قدرت اقتصادی و ثروت انبوه، معیار قابل اعتمادی برای قدرت بزرگ بودن محسوب نمی‌شود و شاخص مناسب و کاملی برای محاسبه قدرت راهبردی کشورها محسوب نمی‌گردد اما با این حال، شرط لازم برای قدرت‌یابی شبکه‌ای، وجود تقارن راهبردی بین قدرت اقتصادی و قدرت نظامی است. نیروهای ژرف اقتصادی، از جمله نیروهایی

است که در قالب بازخوران‌های مثبت و منفی، می‌تواند نقش تشدیدکننده یا نقش کاهندگی و تنظیم جریان قدرت را در سایر سازه‌های نظم ایفا نمایند. (Ghasemi, 2022: 289) توسعه پلتفرم‌های مشترک همکاری جامع اقتصادی با بازیگران ژئواکونومیک در چارچوب نهادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از طریق دیپلماسی اقتصادی، ظرفیت‌های ساختاری نوینی برای تحول در موازنه موقعیت و منزلت راهبردی ایران بویژه در سازه‌های ژئواکونومیک را فراهم می‌آورد. در همین راستا بانک توسعه زیرساخت آسیایی و نهادهای فرعی آن، یکی از بسترهای نهادی چندجانبه و بین منطقه‌ای است که توسط چین به‌عنوان یک استراتژی نوآورانه نهادی در شبکه آسیایی ایجاد شده و الگوی نوینی از تعامل و همکاری مبتنی بر اصول اساسی؛ احترام متقابل، برابری، وفای به عهد، منافع متقابل، و سناریوی برد-برد در ارائه کمک‌های خارجی برای کشورها ایجاد نموده است. (Noroozi, 2021: 24) این وضعیت برای ایران به‌عنوان کشوری که تحت فشارهای پیچیده ساختاری قرار دارد، تسهیلات متنوعی در چرخه تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری زیرساختی کشور بویژه در بخش کریدورهای راهبردی فراهم می‌کند.

در فرایند تحول در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، یک روند نوپدید دیگری در نقش‌یابی قدرت‌های نوظهور، تحت عنوان ترتیبات نهادی بریکس نیز در حال تکوین است که نقطه عطفی در چارچوب چندجانبه‌گرایی نوین اقتصادی و توسعه‌ای در شبکه ژئواکونومیکی جهانی محسوب می‌گردد و ظرفیت‌های ساختاری و مجذوبیت‌های کارکردی بیشتری نسبت به نهادهای مالی موجود (عمدتاً غرب‌محور) برای کشورهای محور آسیایی در تولید و فراوری قدرت شبکه‌ای ایجاد می‌نماید. مهم‌ترین دستاورد چندجانبه‌گرایی بریکس در فضای عدم تعادل‌های ساختاری و نارسایی‌های موجود در سیستم مالی جهانی، بانک توسعه جدید است که به‌عنوان کارگزار تسهیل رشد و توسعه پایدار کشورهای جنوب، بستری برای دسترسی آسان آن‌ها به منابع مالی چندجانبه و تأمین منافع راهبردی عینی اقتصادی کشورهای جنوب فراهم می‌آورد. (Noroozi, 2023: 17) با توجه به فشارهای سیستمی شبکه غرب‌محور بر اقتصاد و محدودیت‌های اعمال شده بر سیستم پولی و بانکی ایران، عضویت در بریکس و بانک توسعه جدید، از مطلوبیت کارکردی بالایی برای رهایی از محدودیت‌های تحریمی و تخلیه فشارهای راهبردی غرب برخوردار می‌باشد. لایه مکمل ژئواکونومیک این پهنه با تقویت و تعمیق همکاری‌های اقتصادی و تجاری در سازمان همکاری اسلامی و تقویت و زنجیره‌سازی در مبادلات اقتصادی و تجاری در پرتو همکاری‌های گروه دی-۸ می‌تواند عمق پیدا کند. موقعیت ایران در پهنه اقیانوس هند-خلیج فارس هم در بخش‌های اقتصادی و امنیتی واجد مزیت‌های تولید قدرت و شبکه‌های دسترسی در میان مناطق فرعی آسیایی-آفریقایی است. در این راستا تحول در استراتژی توسعه صنعتی، ایجاد تحول در اداره تولید و فروش نفت و مشتقات آن، تغییر و تحول در دیپلماسی اقتصادی، ایجاد تغییر و نوآوری در مبادلات تجاری، ورود و ایفای نقش اثرگذار و ارتقادهنده در زنجیره‌های جهانی ارزش و نوسازی ساختار و فرهنگ اقتصاد سیاسی کشور ضرورت اکید پیدا می‌کنند.

۳-۴. امنیت شبکه‌ای و هیبریدی

در هندسه جدید قدرت، تولید امنیت پایدار با این مفهوم توسعه‌یافته، صرفاً پدیده‌ای واحد-پایه و مبتنی بر

توان یک واحد سیاسی نیست و امنیت‌سازی به صورت جمع-پایه و در شبکه‌ای از روابط درهم تنیده بازیگران با یکدیگر تحقق عینی و عملیاتی پیدا می‌کند. از طرفی، جغرافیای تهدید نیز از قلمرو محدود سرزمینی و تهدیدات داخلی فراتر رفته و به تهدیدات خارجی و بین‌المللی تصعید یافته و ماهیتی چندبعدی پیدا کرده است. با نهادینه شدن این گذار از تهدیدات داخلی به خارجی، موضوع امنیت در محیط بین‌المللی به تدریج تکامل یافته و به مؤلفه‌ای اساسی و بنیادین در طراحی استراتژی‌های ژئوپلیتیکی بازیگران تبدیل شده است. علاوه بر سطوح تحلیل در امنیت شبکه‌ای که ناظر به توسعه کانون‌های شکل‌گیری قدرت و امنیت است، محتوا و دستورکارهای امنیت و بازیگران امنیت‌ساز نیز تحول یافته و امنیت‌سازی و بازفرآوری قدرت از طریق تولید امنیت پایدار، مشروط و مقید به مناسبات نظامی صرف نبوده و دولت‌ها به‌عنوان تنها بازیگران صاحب‌نقش و امنیت‌ساز مطرح نمی‌باشند. بر این اساس، امنیت شبکه‌ای و هیبریدی، به‌عنوان یکی از متغیرهای گذار از نظم قدیم به نظم جدید، سازوکار بازفرآوری قدرت و ایجاد ثبات راهبردی غیرخطی را در محیط شبکه برای بازیگران در سطوح و لایه‌های مختلف با دستورکارهای متنوع و متکثر فراهم آورده است.

۴-۴. بازدارندگی شبکه‌ای

بازدارندگی بر پایه بازفرآوری قدرت، تبدیل قدرت به تهدید و سرانجام شکل‌گیری موازنه راهبردی، کنش‌های راهبردی بازیگران را سامان می‌دهد. پایه و ستون اصلی شکل‌گیری بازدارندگی، استفاده از تهدیدات نظامی و ایجاد ادراک تهدید و معتبرسازی تهدیدات در برابر بازیگر هدف است. این نوع از بازدارندگی، بر چهار مجموعه از متغیرها تمرکز می‌کند:

- تعادل نیروهای نظامی؛
- رفتار علامت‌دهنده و معامله پرهزینه؛
- شهرت؛
- و منافع در معرض تهدید و خطر. (Huth, 1999)

در رویکرد کلاسیک، نقطه تمرکز بازدارندگی در حوزه قدرت نظامی است که محصول منابع راهبردی قابل دسترس، برای سیستم نظامی و امنیتی یک کشور و توانایی آن در تبدیل این منابع به قدرت قهری است. (Tereverton & Jones, 2005: 4) به نحوی که این قدرت قهری قبل از اعمال، در چرخه راهبردی سیستم هدف و کنش‌های راهبردی بازیگران، اثرگذار باشد.

سیستم بازدارندگی شبکه‌ای در نظم چندسطحی دارای معماری ویژه‌ای است که مدل فیزیکی آن براساس سازه‌های شبکه‌ای درهم‌تنیده و هم‌پوشان شکل می‌گیرد. در این نوع از سازه‌ها، چهار اصل بنیادین: مقیدسازی، پیوندسازی، شکست آبشاری و برون‌گرایی، سیستم بازدارندگی را تبیین می‌نمایند. این چهار اصل به‌عنوان اصول منطقی و بنیادین بازدارندگی شبکه‌ای در نظم چند سطحی مطرح می‌باشند. (Ghasemi, 2018: 297) در صورتی که این چهار اصل در طراحی سیستم بازدارندگی مورد توجه قرار گیرد، ثبات راهبردی پایداری در شبکه و در بین بازیگران شکل می‌گیرد. به گونه‌ای که بازیگران درکنش علیه یکدیگر با نوعی بن‌بست راهبردی روبرو می‌شوند. این موضوع، مستلزم توزیع تهدیدات راهبردی در میان

واحدها و یا در درون شبکه می‌باشد. البته سرایت و انتشار تهدیدات در سازه‌های شبکه‌ای که درهم‌تنیدگی بالایی دارند و از شدت روابط زیادی برخوردارند، گریزناپذیر خواهد بود. در این میان، در شرایطی که ایران در منطقه پر آشوب و بحران خیز غرب آسیا با انباشت و تورم تهدیدات مواجه است، کارکرد این چهار اصل در شبکه قدرت، مستلزم بازطراحی و تجدیدنظر در دکترین بازدارندگی نظامی و امنیتی کشور معطوف به توانمندیهای هسته‌ای نظامی به‌عنوان بخشی از سیستم بازدارندگی شبکه‌ای، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۴-۵. توسعه صنعتی - تجاری

یکی از متغیرهای بنیادین و مؤلفه‌های کلیدی در قبض و بسط و تکامل قدرت شبکه‌ای ایران در فرایند قدرت‌یابی، نظام نوآوری و توسعه صنعتی فناورپایه است. معماری رشد و توسعه صنعتی و فناوری ایران در شبکه ژئواکونومیکی در سطوح محلی مقیاس، منطقه‌ای و جهانی، مستلزم مشارکت سازنده و مؤثر ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی می‌باشد. سازوکار ایجاد گشایش‌های راهبردی از مسیر رشد و توسعه صنعتی و فناوری جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در چند محور زیر ملاحظه کرد:

۱. هم‌سویی و هم‌پیوندی راهبردی با بازیگران اصلی در شبکه‌های محلی و همسایگی، منطقه‌ای و جهانی و تبدیل پوییش‌های اقتصادی کارگزارپایه به جمع‌پایه و خودسامان‌ده کردن آن‌ها با هدف استفاده حداکثری از پوییش‌های ژئواکونومیکی و جریان‌های اقتصادی و تجاری در سازه‌های ژئواکونومیکی از جمله زنجیره‌ای ارزش جهانی؛

۲. عضویت و مشارکت فعال و سازنده در نهادهای منطقه‌ای و بین‌منطقه‌ای اقتصادی با هدف تکامل قدرت نهادی و تقویت درهم‌تنیدگی ساختاری اقتصاد ایران در اقتصاد بین‌الملل؛

۳. هم‌زمان‌سازی جریان قدرت در چرخه‌های ژئوپلتیکی با چرخه‌های ژئواکونومیکی و ژئوکالچری و استفاده از بازخوران‌های چرخه‌های قدرت در لایه‌های مختلف؛

۴. بازفراوری و عملیاتی کردن قدرت شبکه‌ای کشور از طریق ایجاد الگوهای کنترل شبکه‌ای، غیرخطی و چندلایه، مدیریت فرایند به‌هم‌پیوستگی و وابستگی حساس غیرخطی برای ترمیم حفره‌های ایجاد شده توسط دشمن در سازه‌های ژئواکونومیکی؛

۵. اتخاذ رویکردی اقتصادمحور از طریق تقویت قابلیت‌های تبدیل‌پذیری قدرت نظامی و امنیتی کشور به قدرت اقتصادی مولد و پویا؛

۶. سیاستگذاری راهبردی معطوف به تحول در نظام تولید، توزیع، تصمیم‌گیری و جایگزینی؛

۷. تغییر مسیر الگوی توسعه و پیشرفت کشور و اتخاذ سیاست‌های جدید مبتنی بر کربن‌زدایی با توجه به روند کاهش وابستگی اقتصاد جهان به نفت و گاز در استراتژی کلان اقتصادی به صورت تدریجی و گام به گام.

۴-۶. سیاست همسایگی و آسیایی

معماری سیستم بین‌المللی در هزاره جدید و در قرن بیست و یکم، تابعی از آرایش بازیگران قدرت در

سطوح منطقه‌ای است و مناطق در هندسه نظم نوین بین‌المللی از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشند. از این منظر کنش ارتباطی کشورها منحصر در یک حوزه جغرافیایی محدود نمی‌شود و شبکه اتصالات و پیوندهای ارتباطی با بازیگران نظم‌ساز در پهنه‌های مختلف جغرافیایی از تعیین‌کنندگی بالایی در قدرت‌یابی شبکه‌ای برخوردار می‌باشد. از سویی، ابرشبکه آسیایی، قدرتمندترین نیروی شکل‌دهنده به نظم جهانی به شمار می‌رود و نقش‌یابی بازیگران در محور آسیایی، چشم‌انداز ژئوپلیتیکی روشنی بدست می‌دهد. (Parag Khana, 2021: 41)

دستیابی ایران به اهداف چشم‌اندازی در سیاست همسایگی، در گام اول نیازمند شناسایی دقیق فرصت‌ها و چالش‌های مشترک بر اساس کدهای ژئوپلیتیکی اختصاصی ایران و کشورهای همجوار در ژئوپلیتیک همسایگی و در شبکه آسیایی می‌باشد که به شرح زیر می‌توان مورد ملاحظه قرار داد؛

۱. سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر خودیاری جمعی در محیط راهبردی و امنیتی کشور اعم از محیط همسایگی و همچنین در ارتباط با سایر مناطق آسیایی به‌ویژه مثلث راهبردی ایران، روسیه و چین؛
۲. سیاست تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در قبال همسایگان و بازیگران ژئواکونومیک در شبکه آسیایی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی نهادی و جمع‌پایه؛
۳. سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب علائق مشترک فرهنگی و تمدنی در مفهوم ایران فرهنگی در محیط ژئوکالچری جهان اسلام به‌عنوان یک ظرفیت شاخص جهانی (Noroozi, 2013)؛
۴. سیاست پایدارسازی، بهینه‌سازی و توازن‌سازی قدرت شبکه‌ای کشور در گستره راهبردی شبکه همسایگی و آسیایی و کمینه‌سازی تهدیدات راهبردی.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در پژوهش حاضر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت، به روشنی مشخص است که نظم ژئوپلیتیکی جهان در عصر پرآشوب کنونی در آستانه یک تحول تکنیکی غیرمنتظره قرار گرفته و پویایی‌های واقعی در ارکان نظم جهانی، چشم‌انداز بین‌المللی پیچیده‌ای را در فرایند قدرت‌یابی و نقش‌یابی بازیگران در حال ظهور ایجاد کرده است. در این چارچوب، مسأله اساسی پژوهش بر اساس این محور شکل گرفته است که چگونه جمهوری اسلامی ایران از طریق پویای شبکه‌ای قدرت و رهاورد نوآورانه آن "ژئوپلیتیک شبکه‌ای و هیبریدی" می‌تواند موقعیت‌یابی شبکه‌ای خود را در ساختار قدرت و ژئوپلیتیک جهانی ارتقاء بخشد. در پاسخ به این دغدغه؛ طراحی و سازماندهی تغییر اساسی در استراتژی کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی معطوف به افزایش و تقویت پیوندها و اتصالات شبکه‌ای ایران در سازه‌های نظم محلی، منطقه‌ای و جهانی به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در مسیریابی مجدد و قدرت‌یابی ایران در ژئوپلیتیک شبکه‌ای تمهید و تدراک می‌گردد. پویایی‌های دینامیسم قدرت در هر کدام از این سازه‌ها، در سطح و لایه بعدی اثر گذاشته و در چارچوب راهبردهای شش‌گانه دیپلماسی شبکه‌ای، امنیت شبکه‌ای، بازدارندگی شبکه‌ای، ژئوپلیتیک دسترسی، سیاست همسایگی و آسیایی و سیاست توسعه صنعتی و فناوری، سیر رشد و تکامل قدرت‌یابی ایران در چرخه‌های درهم تنیده ژئوپلیتیک شبکه‌ای در سطوح و لایه‌های مختلف،

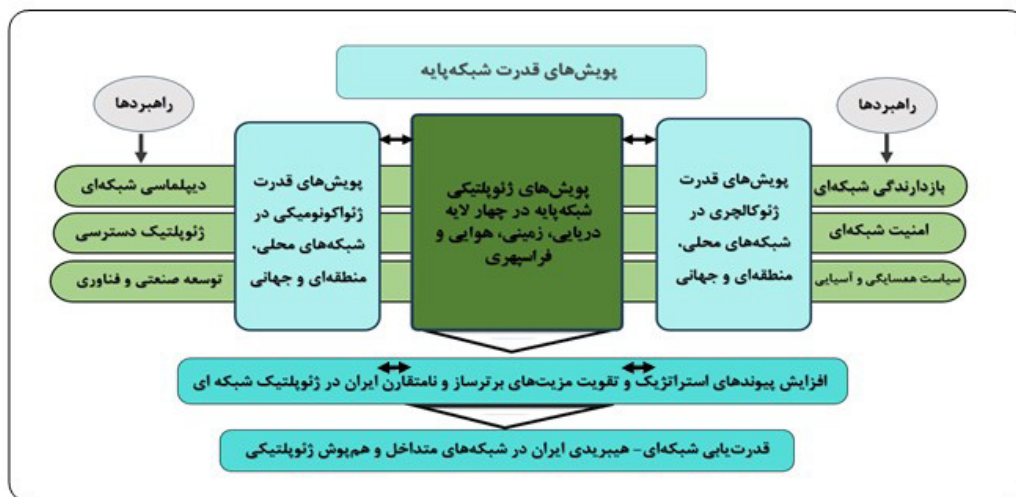


تکامل می‌یابد.

از این منظر، فرایند قدرت‌یابی ایران در ساختار عمودی و افقی چرخه قدرت، در ابتدا از محیط ملی به‌عنوان خاستگاه اصلی تکامل قدرت ملی شروع شده و از طریق پیوند ظرفیت‌های هم‌افزاینده و عناصر هموند درونی، مسیر تکامل قدرت کشور در سیکل‌های بعدی پی‌ریزی می‌شود. در لایه بعد از چرخه ملی، شبکه محلی و پیرامون نزدیک، قرار دارد که از اعتبار تحلیلی و هستی‌شناختی ویژه‌ای در ساخت‌یابی ژئوپلیتیک شبکه‌ای کشور برخوردار است. در این مرحله، قدرت ایران به‌دلیل ماهیت نظام سیاسی و تناسب این موضوع با چرخه ژئوکالچری شبکه همسایگی، دارای قابلیت زاینده‌گی و اشاعه بوده و از ظرفیت شبکه-سازی بالایی برخوردار می‌باشد. در چرخه قدرت محلی، تعامل ایران با همسایگان، در چارچوب شبکه‌های متداخل و همپوشان ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچری و ژئوسایبری، طیف گسترده‌ای از روابط قدرت در چارچوب کدهای ژئوپلیتیکی و عملیاتی ایران را با کشورهای همسایه فراهم می‌نماید. در اینجا، در بین شبکه‌های متداخل و همپوش چرخه قدرت همسایگی و محیط پیرامونی، یکی از ارزش‌ترین گونه‌های هم‌افزایی و دینامیک افزاینده که به ایران مزیت قدرت نوآورانه و سازنده شبکه‌ای خواهد بخشید و دامنه تأثیرگذاری ایران را در برابر سایر قدرت‌های هم‌اورد افزایش خواهد داد، نقش هم‌پیوندی ایران در شبکه ژئوکالچری جهان اسلام و شبکه ژئوپلیتیکی جریان مقاومت می‌باشد که از طریق انتقال انرژی و جریان قدرت به شبکه محلی و پیوستگی ژئوپلیتیکی، موقعیت کانونی و قدرت شبکه‌ای ایران را تقویت می‌کند. بر این پایه، جمهوری اسلامی ایران با کاربست قدرت شبکه‌ای و هیبریدی خود در ژئوپلیتیک شبکه‌ای محیط همسایگی، از طریق کنترل ورودی‌های شبکه، ردیابی تهدیدات راهبردی، برنامه‌سازی، بهینه‌سازی و پایداری‌سازی، نظم شبکه محلی را عملیاتی می‌نماید. در امتداد شبکه همسایگی و در سیکل بعدی؛ قدرت کنشگری ایران از گذرگاه نقش‌یابی در کانون‌های نظم شبکه‌ای - منطقه‌ای ظهور و بروز یافته و از تعامل پویا و پیچیده چرخه‌های بازخورانی در سه لایه قدرت‌ساز یعنی ژئوپلیتیک شبکه‌ای، ژئوکالچر شبکه‌ای و ژئواکونومی شبکه‌ای، صعود ایران در گستره راهبردی منطقه غرب آسیا امکان‌پذیر می‌گردد. نکته مهمی که در اینجا وجود دارد، هماهنگ‌سازی پویای قدرت در سازه‌های ژئوکالچری، ژئواکونومیک با سازه‌های ژئوپلیتیکی و هم‌پایان کردن جریان قدرت در این شبکه‌ها با یکدیگر است که تغذیه‌کننده جریان قدرت در ژئوپلیتیک شبکه‌ای و زیربنای اصلی پویای قدرت شبکه‌ای ایران در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود.

در نهایت، در مقیاس جهانی از طریق پیوندسازی برون‌شبکه‌ای و در هم‌آمیختگی کارکردی با گستره‌های ژئوپلیتیکی، زمینه لازم برای رشد تکاملی و انطباقی قدرت شبکه‌ای ایران و بازسازی و معماری نظم ژئوپلیتیکی در ساختار نظم رقابتی، پیچیده و چندقطبی جهانی فراهم می‌گردد. در این مقیاس چند شبکه هم‌پوشان و متداخل ژئوپلیتیکی وجود دارند که به‌عنوان جریان‌ها و گذرگاه‌های رشد و تکامل شبکه ژئوپلیتیکی ایران در شبکه جهانی محسوب می‌شوند. از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به شاخه‌های نظم در ابرشبکه آسیایی مشتمل بر شبکه آسیا-پاسفیک، شبکه اوراسیای مرکزی و آسیای جنوبی و شبکه ژئوپلیتیکی جهان اسلام اشاره نمود. روندهای ژئوپلیتیکی در حال تکوین در این شبکه‌ها و زیرشبکه‌ها، محیط مستعدی برای قدرت‌یابی ایران در مقیاس سیستمی فراهم کرده و ظرفیت‌های بالقوه و مهمی برای رهبری راهبردی و

مدیریت حوادث منطقه‌ای و جهانی در اختیار قرار می‌دهد. در نهایت، مدل مفهومی قدرت‌یابی شبکه‌ای جمهوری اسلامی ایران در چارچوب نمودار زیر صورت‌بندی می‌شود.



جدول (۲): مدل مفهومی قدرت‌یابی شبکه‌ای و هیبریدی ایران



References

1. André Barrinha & Thomas Renard, (2017). Cyber-diplomacy: the making of an international society in the digital age, PP 353-364
2. André. B., & Thomas. R. (2017). Cyber-diplomacy: the making of an international society in the digital age. available at: <https://www.tandfonline.com>
3. Autotile and others. Geopolitical Thoughts in the Twentieth Century. Translated by: Mohammad Reza Hafeznia and Hashem Nasiri (2001). Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications (in Persian).
4. Ayatollah Khamenei. (2015). available at: <https://farsi.khamenei.ir>, (in Persian).
5. Ayatollah Khamenei. (2015). available at: <https://farsi.khamenei.ir>, (in Persian).
6. Bain, F & Xie, Y. (2016). Understanding China Today: An Exploration of Politics, Economics, Society, and International Relation, Switzerland: Springer International Publishing.
7. Barry Buzan, Reflections on International Security and Security. Definition of International Security Studies. Translated by: Seyyed Ahmad Nekouei (2018). Tehran: Allamah Tabatabaei University Press (in Persian).
8. BP, Statistical Review Of World Energy. (2022). 71st, edition.
9. Buzan, B. & Lawson, G. (2013). The Global Transformation: The Nineteenth Century and the Making of Modern International Relations. Princeton: Princeton University Press.
10. Cohen, H. S. A. R. (2010). Complex Networks: Structure, Robustness and Function. Cambridge: Cambridge University Press.
11. Dalby, S. (2003). Geopolitics, Security, and America's new war, geopolitics, available at: <https://www.tandfonline.com>
12. David, C. (2022). Geopolitics and International Relations: Grounding World Politics Anew, University of Antwerp, Brill Nijhoff, Leiden Oston.
13. Djankov, S, & Miner, S. (2016). China's Belt and Road Initiative: Motives, Scope and Challenges, Washington D. C: Peterson Institute for International Economics, 1-35.
14. Expediency Council (2003). The Perspective of the Islamic Republic of Iran on the Horizon of 1404 AH, Research Center of the Islamic Consultative Assembly (in Persian).
15. Final Report, Project for Development of Kyrgyz- Tajikistan- Afghanistan - Iran, KTAI, Road Transport Corridor, P9/ IRU. Economic Cooperation Organization, (2020).
16. Frank Witlox, (2019), Transport geography and geopolitics: Visions, rules and militarism in China's Belt and Road Initiative and beyond, Department of Geography, National University of Singapore, Journal of Transport Geography, p 2
17. Frank. W. (2019). Transport geography and geopolitics: Visions, rules and militarism

- in China's Belt and Road Initiative and beyond. Department of Geography. National University of Singapore, Journal of Transport Geography.
18. Gao, X. Zhang, D., Li, K &, B. (2018). A Cascading Failure Model for Command and Control Networks with Structure, Security and Communication Networks. Paolo, Cruccitti, Vito, Latora and Massimo, Marchiori,)2004(, A Model for Cascading in Complex Networks.
 19. Ghasemi F. (2019) A Step Towards a New Theory of Network Geopolitics and Power Reproduction in International Politics, Foreign Relations Quarterly No. 16 (in Persian).
 20. Ghasemi, F. (2020). A Step Towards a Branch-Dispersive Theoretical Model in New International Politics, Geopolitics Quarterly. (in Persian).
 21. Ghasemi, F. (2020). The Power Cycle in the Complex and Chaotic International System and Regional Role Strategies of the Islamic Republic of Iran, Political Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Vol. 50. (in persian).
 22. Ghasemi, F. (2020). Theoretical Requirements of Deterrence in Complex and Chaotic International Systems: A Step Towards a New Theory of Nonlinear Deterrence, Quarterly Journal of Strategic Policy Research, Vol. 10, pp. 141-174 (in Persian).
 23. Graham, F. The center of the universe: the geopolitics of Iran. Translated by: Abbas Mokhber (2001). Geopolitics of Iran, Markaz Publications (in Persian).
 24. Gregory. F. Tereverton, Seth G. Jones.(2005). Measuring national Power. Published, Rand, National Security, P4.
 25. International North-South Transport Corridor (INSTC): The Underlying Causes of US-Iran Tensions,(2025) <https://21stcenturywire.com>
 26. Jacson, S.F. (2006). China's Good Neighbor Policy: Relations with Vietnam and Indonesia in Comparative Context. Presented to the International studies Association Annual Meeting. Sandiego. Panel WD20 China Foreign Policy.
 27. Jake. B. R. (2017). Cyber power and cyber effectiveness: An analytic framework, Routledge, Taylor & Francis Group.
 28. Jake. B. R. (2022). Cyber Power Is a Key Element of Sea Power, Rebuilding American sea power will require the skillful use of cyber power to prepare the battlespace, fight, and win. Vol. 148/12/1,438, available at: <https://www.usni.org>.
 29. Juan. E. C. (2013). Defense Diplomacy, Chapter 20, The Oxford Handbook of Modern Diplomacy, Andrew Cooper, Jorge Heine , Ramesh Thakur.
 30. Julia. v. & et.al. (2022). National Cyber Power Index 2022, Belfer Center for Science and International Affairs Harvard Kennedy School, available at: <https://www.belfer-center.org>.



31. Karen, M. Feigh, Michael, c. Dorneich and Carolin, C. Hayes. (2012). Toward a Characterization of Adaptive Systems: A Framework for Researchers and System Designers. Volume 54. Issue 6. Sage Journal.
32. Katouzian. H. and Shahidi. H. (eds) (2008). Iran in the 21st Century Politics, Economics & Conflict. London and New York: Routledge Taylor & Francis Group.
33. Kennon H. Nakamura & Susan B. Epstein Foreign Policy Analysts, August 23. (2007). Diplomacy for the 21st Century: Transformational Diplomacy, p 12.
34. Khanna. P. Asian Future. Translation: Mohammad Reza Majidi and Mahmoud Javadi (2021). Tehran: Institute for Strategic Studies (in Persian).
35. Khanna. P (2019). The Future Is Asian: Global Order in The Twenty-First Century, Parage. Simon & Schuster.
36. Khosrooapanah, A and a group of researchers (2001). Ayatollah Khamenei's Intellectual System, Center for Strategic Studies Publications (in Persian).
37. Kissinger, H. (2014). World Order, Reflections on the Character of Nations and the Course of History. Penguin books.
38. Krickovic. A. & Igor P. (2021). From "Greater Europe" to "Greater Eurasia": Status concerns and the evolution of Russia's approach to alignment and regional integration, SAGE, Journal of Eurasian Studies, 1-14
39. Lai. D. (2011). The United States and China in Power Transition, Strategic Studies Institute U. S. Army War College.
40. Leach. D. (2018). Defense Diplomacy- An Important Tool for the Implementation of Foreign Policy and Security of the State, Faculty of National Security War Studies University, Warsaw, Poland.
41. Maia. C. & Lia, B. (2020). Changing the Place of Clusters in the System of Modern International Economic Relations, Georgian Technical University.
42. Mearshimer, J.J. (2006). China's Unpeaceful Rise, 105, 690; Research Library, <http://mearshimer.uchicago.edu/pdfs/A0051.pdf>
43. Mirbagheri, M (2021). The New Age: A Reading of the Concepts and Strategies of the Statement of the Second Step of the Islamic Revolution, Qom: Publication of the New Islamic Civilization (in Persian).
44. Mojtahedzadeh, P. (2002). Political Geography and Geographical Politics, Tehran: Samt. (in Persian).
45. Nadkarni. V. & Noonan. N. C. (2014). Emerging Powers in a Comparative Perspective: The Political and Economic Rise of the BRIC Countries. New York: Bloomsbury Journal of Asian Studies.



46. Naji. S. (2011). Iran the Center of Strategic Energy Ellipse, Geopolitics, History, and International Relations, Vol. 3, No. 1 (2011), p. 155-175 , Published By: Addleton Academic Publishers.
47. National Cyber Power Index. (2022). Reports & Papers, from Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard Kennedy School.
48. Norouzi, H (2013). Iran and ECO Cultural Capacities, Tehran: Research Institute for Culture, Art and Communication. (in Persian).
49. Norouzi, H (2023). BRICS New Development Bank, A Reflection on Institutional Rationality and Functional Fascination, Journal of Country Studies (in Persian).
50. Norouzi. H. (2021). China and the Longing for Making Order; An Insight toward Emergence and Reliability of the AIIB, Journal of World Sociopolitical Studies| Vol. 5| No. 4. (in Persian)
51. Nye Jr, Joseph S. (2012). The Future of Power, World Affairs: The Journal of International Issues, Vol. 16, No. 4
52. Patton. S & Sato. J, (2023), Asia Power Snapshot: China and the United States in South-east Asia
53. Paul. K. H. (1999). Deterrence and International Conflict: Empirical Findings and Theoretical Debates, Annual Review of Political Science.
54. Peter. B. (2010). The Routledge Handbook of New Security Studies. London and New York: Routledge, 32-41.
55. Pomerlyan, E and Belitski, M. (2023). Regional Integration and Economic Performance: Evidence from the Eurasian Economy Union. Routledge, Taylor & Francis Group.
56. Richard. H. (2018). A World in Disarray: American Foreign Policy and the Crisis of the Old Order, Penguin Books, New York, NY, 179.
57. Sanderson. I. (2000). Evaluation in Complex Policy System. Evaluation. 6(4), 433-454.
58. Shu-Yun. M. (2007). Political Science at the Edge of Chaos? The Paradigmatic Implications of Historical Institutionalism, International Political Science Review / Revue internationale de science politique, Vol. 28, No. 1 (Jan., 2007), pp. 57-78.
59. Spyckman. N.J. (1944). The Geography of Peace, New York: Harcourt, Brace and Company.
60. Stunkel. O. (2015). The BRICS and the Future of Global Order. Reprint ed. London: Lexington Books.
61. Susannah. P. Jack. S. & Herve. L. (2023). Asia Power Index.. Key Findings Report, Lowy Institute, P6



62. The Department of Defense Indo-Pacific Strategy Report Preparedness, Partnerships, and Promoting a Networked Region. (2019).
63. The Future Is Asian: Global Order in The Twenty-First Century, Parage, Khanna, 2019
64. V. T. Tsakanyan. (2017). The Role of Cybersecurity in World Politics, Vestnik RUDN. International Relations, Vol.17 No.2, 339-348.
65. Vinokurov, Evgeny & Alexander Liman. (2012). Eurasia and Eurasian Integration: Beyond the post- Soviet Border, The Economics of the post- Soviet and Eurasian Integration, Eurasian Development Bank, Eurasian Integration Yearbook.
66. Vladimir M. Morozov. (2023). Network Diplomacy, Contributing to Peace in the 21st Century.
67. Yasir Rashid. (2021). ITI Corridor and Its Importance for the Regional Trade, Center for Iranian Studies in Ankara iRAM
68. Yıldırım Keser, H. (2015), Importance of Transport Corridors in Regional Development: The Case of TRACECA, Sosyoekonomi, Vol. 23(24), 163-182.
69. Rahbari, 2015, The third clause of the decree for the members of the second term of the Supreme Council of Cyberspace
70. Crikemans. D. (2022). Geopolitics and International Relations: Grounding World Politics Anew.

COPYRIGHTS

©2025 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

